

سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان یزد

و

اداره کل آموزش و پرورش استان یزد

عنوان یا موضوع پژوهش:

مطالعه پیمایشی مسائل و مشکلات آموزش و پرورش

ناظر طرح:

علیمحمد فرجیان

پژوهشگر

علیرضا مصباح فر

۱۳۹۸

فهرست مطالب

فصل اول کلیات پژوهش.....	۱
۱-۱ مقدمه و بیان مساله:.....	۲
۱-۲ اهمیت و ضرورت:.....	۲
۱-۳ اهداف:.....	۳
۱-۴ سوالات:.....	۳
فصل دوم پیشینه پژوهش.....	۴
۲-۱ مقدمه:.....	۵
۲-۲ پیشینه پژوهش.....	۵
فصل سوم روش پژوهش.....	۹
۳-۱ روش انجام مطالعه:.....	۱۰
۳-۲ برنامه درسی ملی درنگاهی جهانی.....	۱۰
۳-۲-۱ قاره آسیا و اقیانوسیه.....	۱۰
۳-۲-۱-۱ استرالیا.....	۱۰
۳-۲-۱-۲ چین.....	۱۲
۳-۲-۱-۳ ژاپن.....	۱۳
۳-۲-۱-۴ هندوستان.....	۱۵
۳-۲-۲ کشورهای مسلمان.....	۱۷
۳-۲-۲-۱ ترکیه.....	۱۷
۳-۲-۲-۲ مالزی.....	۱۹
۳-۲-۳ قاره اروپا.....	۲۱
۳-۲-۳-۱ فنلاند.....	۲۱
۳-۲-۴-۱ ایالات متحده آمریکا.....	۲۳
۳-۳ با هم نگر و نتیجه گیری.....	۲۵
۳-۴ خلاصه ای از مصاحبه های انجام شده و کدگذاری شده.....	۲۷

فصل چهارم نتیجه گیری.....	۳۲
۴-۱ مسائل و مشکلات نیروی انسانی ::.....	۳۳
۴-۲ مسائل و مشکلات محتوای آموزشی و برنامه درسی.....	۳۴
۴-۳ فضا، تجهیزات و منابع مالی.....	۳۷
۴-۳-۱ چالش‌های ملی و فرابخشی.....	۳۷
۴-۳-۲ مشکلات آموزش و پرورش ایران در دیدگاه رؤسای آموزش و پرورش.....	۴۱
۴-۳-۳ چالش‌ها و محدودیت‌های آموزش و پرورش در طول برنامه‌های توسعه سوم، چهارم و پنجم.....	۴۳
۴-۳-۵ چالش‌ها، مسائل و تنگناهای آموزش و پرورش در دیدگاه وزیر آموزش و پرورش.....	۴۳
۴-۳-۶ جایگاه مشارکت سازمانها و دستگاههای اجرایی در آموزش و پرورش در قوانین و مقررات.....	۴۴
۴-۴ دیدگاه معلمان و مدیران پیش کسوت آموزش و پرورش استان.....	۴۸
۴-۵ چالش‌ها و مسایل منطبق با سند تحول بنیادین معاونت پژوهش، برنامه ریزی و منابع انسانی.....	۴۸
۴-۶ چالش‌ها و مسایل منطبق با سند تحول بنیادین معاونت آموزش ابتدایی.....	۵۰

فصل اول کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه و بیان مساله:

تعلیم و تربیت به عنوان یک واقعیت گسترده، پیچیده و تاثیرگذار در تمام جوامع بشری قدمتی به درازای عمر انسان داشته و همواره مورد توجه بوده است، لیکن آموزش و پرورش در شکل جدید آن (همگانی، الزامی و سازمان یافته) و به عنوان یک نهاد اجتماعی دستاورد عصر جدید است که در پاسخ به اقتضائات دوران جدید رخ نموده است (احمدی ۱۳۹۱). آموزش و پرورش برای انجام وظایف و ایفای تعهدات خود با توجه به اقتضائات سند تحول بنیادین را تدوین و پس از تصویب شورای عالی آموزش و پرورش سرلوحه کار خود قرار داده است؛ ولی شواهد موجود حاکی از عدم تحقق اهداف سند مذکور در آموزش و پرورش است. به زعم مدیران، کارشناسان، مدیران مدارس و معلمان بخشی از عدم تحقق این اهداف به مسائل و مشکلاتی بر می گردد که هر چند در محافل و جلسات مختلف نقل می شود ولی کمتر مدون شده و منجر به ارائه راهکار گردیده است. در این مطالعه از طریق پیمایش به بررسی مسائل و مشکلات آموزش و پرورش از نظر مدیران، کارشناسان و معلمان سطوح مختلف آموزش و پرورش پرداخته شده و راهکارهای پیشنهادی از نظر همین گروه نیز ارائه خواهد شد. علاوه بر این در بخشی از شاخص ها، آمارهای مقایسه ای تطبیقی نیز ارائه خواهد شد.

۱-۲ اهمیت و ضرورت:

مجموعه دگرگونیهای اجتماعی قرن اخیر، گرایش شدید به آموزش و پرورش را ایجاد نموده است. گرایشی که تقریباً فراگیر و جهانی است. در جامعه امروز همه ملت ها با هر نظام سیاسی و اجتماعی به مساله تربیت توجه دارند و آموزش و پرورش نسبت به دیگر فعالیت های اجتماعی در مقیاس جهانی از اولویت خاصی بهره مند است. این توجه شدید بی دلیل نیست و بر منطقی قوی بنیاد شده است. دنیای امروز تربیت فرزند را از نیازهای اولیه زندگی می شناسد (معیری، ۱۳۸۱، ۹).

از مهمترین رسالت‌های نهاد آموزش و پرورش یادگیری و تغییر رفتار در دانش آموزان است. شواهد و یافته‌های اجتماعی حاکی از عدم تحقق حداقل بخشی از یادگیری و تغییر رفتار مورد نظر در اهداف بیان شده در اسناد بالادستی آموزش و پرورش است. لازمه اصلاح روش‌ها و رویه‌ها برای تحقق اهداف شناخت مسائل آموزش و پرورش در روند فعلی است. بخشی از مسائل آموزش و پرورش از نوع مسائل جهانی و ساختاری فعالیت‌های این نهاد است و بخشی از مسائل مربوط به آموزش و پرورش ایران است. نتایج این مطالعه که از دیدگاه مدیران، کارشناسان و ... استخراج و جمع بندی می‌گردد؛ می‌تواند منجر به فهم بهتر مسائل و استفاده از آن در اصلاح قوانین و روش‌ها گردد.

۳-۱ اهداف:

- تعیین مسائل و ارائه راهکارهای حل مسائل و مشکلات آموزش و پرورش در حوزه منابع انسانی
- تعیین مسائل و ارائه راهکارهای حل مسائل و مشکلات آموزش و پرورش در حوزه فضا و تجهیزات
- تعیین مسائل و ارائه راهکارهای حل مسائل و مشکلات آموزش و پرورش در حوزه محتوای آموزشی
- تعیین مسائل و ارائه راهکارهای حل مسائل و مشکلات آموزش و پرورش در حوزه منابع اعتباری

۴-۱ سوالات:

- ✓ راهکارهای حل مسائل و مشکلات آموزش و پرورش در حوزه منابع انسانی کدام است؟
- ✓ راهکارهای حل مسائل و مشکلات آموزش و پرورش در حوزه فضا و تجهیزات کدام است؟
- ✓ راهکارهای حل مسائل و مشکلات آموزش و پرورش در حوزه محتوای آموزشی کدام است؟
- ✓ راهکارهای حل مسائل و مشکلات آموزش و پرورش در حوزه منابع اعتباری کدام است؟

فصل دوم پیشینه پژوهش

۱-۲ مقدمه:

آموزش و پرورش سازمانی گسترده، پیچیده، حساس و اثربخش است و با رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی پیوندی ناگسستنی دارد. از این رو بسیاری از صاحب نظران تعلیم و تربیت بر این باورند که اولویت سرمایه گذاری در زمینه تربیت و تأمین نیروی انسانی از طریق ایجاد و توسعه مراکز تعلیم و تربیت است.

۲-۲ پیشینه پژوهش

آموزش و پرورش سازمانی گسترده، پیچیده، حساس و اثربخش است و با رشد و توسعه فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و صنعتی، پیوندی ناگسستنی دارد. از این رو، بسیاری از صاحب نظران تعلیم و تربیت بر این باورند که اولویت سرمایه گذاری در زمینه تربیت و تأمین نیروی انسانی از طریق ایجاد و توسعه مراکز تعلیم و تربیت است. نهاد آموزش و پرورش به عنوان نهادی رسمی وظیفه تعلیم و تربیت را به عهده دارد. مطالعات مختلف مسائل گوناگونی را برای این نهاد بر شمرده اند که به برخی از مهمترین موارد آن اشاره می شود:

ناظری، محمد (۱۳۹۶) حجم بالای کتاب های درسی، عدم جذابیت محیط مدرسه و کلاس، شروع کلاس ها در صبح زود، آموزش در فضایی پر از استرس، نبود آموزش برای مهارت های زندگی، برخورد یکسان با دانش آموزان بدون در نظر گرفتن تفاوت های ذاتی را از عمده ترین مشکلات آموزش و پرورش بیان می دارد.

وی بیان می دارد بالا بودن حجم کتاب های درسی دانش آموزان در تمام مقاطع موضوعی است که همواره مورد بحث بوده است. بسیاری از کارشناسان آموزشی اعتقاد دارند حجم زیاد مطالب و سنگین بودن محتوای کتاب ها علاوه بر اینکه موجب خسته گی و دلزدگی دانش آموزان می شود عملاً فرصتی برای آموزش عمیق مطالب باقی نمی گذارد. در بعضی از دروس و پایه ها حجم کتاب ها آن قدر زیاد است که فرصت هر گونه عملکرد اضافی را از معلم می گیرد و بسیار می بینیم که بدون توجه به خلاقیت دانش آموزان و فعالیت های رفتاری آنها، معلم تنها فرصت دارد درس بدهد تا بتواند در پایان سال به هر صورت کتاب را تمام کند.

همچنین بر اساس تغییراتی که در محتوای کتاب‌ها داده شده است برخی از مباحث پایه‌های بالاتر به پایه‌های پایین منتقل شده که برای دانش آموزان بسیار سنگین است.

یکی دیگر از عواملی که موجب دلزدگی دانش آموزان از مدرسه می‌شود **محیط خشک و بدون جذابیت** آن است. بسیاری از مدارس محیطی فرسوده و با معماری خشک دارند و از نظر فضای سبز، تزئینات و رنگ آمیزی و نورگیر بودن کلاس‌ها در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برند. اما مهم‌تر از این‌ها فضای خشک و یکسویه کلاس هاست، تدریس به شیوه‌ای سنتی، تک‌گویی معلم و برگزاری کلاس بدون گفتگو و نشاط جمعی از بزرگترین ضعف‌های سیستم آموزشی کشور است. به اعتقاد کارشناسان آموزشی عدم تعامل دو جانبه معلم و دانش‌آموز در این روش باعث می‌شود دانش‌آموز زود خسته و بی‌حوصله شود و دیگر درس و مدرسه برایش جذاب نباشد.

یکی دیگر از عواملی که موجب عدم رغبت دانش آموزان برای حضور در کلاس‌ها و بی‌علاقگی آن‌ها به مدارس می‌شود **برگزاری کلاس‌های صبح زود** است که علاوه بر تاثیراتی که بر سلامتی بچه‌ها دارد آن‌ها را از مدرسه بیزار می‌کند. در کشور ما ساعت شروع کار مدرسه ۷.۳۰ صبح است که گاهی به دلیل مسافت طولانی مدرسه تا خانه، دانش‌آموز باید صبح بسیار زود در تاریکی از خواب بیدار شود و به مدرسه برود.

بر اساس یک مطالعه دانش‌آموزان به خاطر اجبار به شرکت در کلاس‌های ابتدای صبح به طور متوسط حدود ۱۰ ساعت در هفته کمبود خواب دارند. یافته‌های علمی نشان می‌دهد، ساعت‌های آموزشی بیشتر نه تنها لزوماً به توانایی و یادگیری بیشتر ختم نمی‌شود، بلکه ممکن است نتایج بدی به ویژه در بین کودکان مقطع ابتدایی به همراه داشته باشد.

یکی دیگر از دلایلی که موجب بی‌انگیزه‌گی دانش آموزان برای حضور در مدرسه می‌شود **ایجاد استرس و اضطراب توسط روش‌های نادرست آموزشی و محیط مدرسه** است. بر اساس تحقیقات کارشناسان آموزشی

انتظارات غیر واقعی آموزگاران از دانش آموز، ایجاد رقابت‌های ناسالم بین دانش آموزان، محیط نامناسب مدرسه، مقررات خشک مدارس و عواملی که پیشتر هم بیان شد در ایجاد استرس بین دانش آموزان موثر است. اما در کشور ما شاید بارزترین مساله‌ای که موجب ایجاد استرس و اضطراب در بین دانش آموزان می‌شود الزام به انجام تکالیف سنگین و سیستم امتحان محور است که در دوره دبیرستان در **امتحانات نهایی و غول کنکور** بیش از پیش خود را نشان می‌دهد. دانش آموز به جای یادگیری علم و مهارت، وظیفه انجام تکالیف سنگین و خواندن حجم بالایی از مطالب برای امتحانات را بر دوش دارد و استرس اجرای درست آنها همواره همراه او است. بحث تکراری حذف کنکور که همچنان در گیرودار تصویب و اجرا است، اما به منظور کاهش استرس ناشی از سیستم نمره‌دهی در مدارس اقداماتی برای تغییر سبک ارزشیابی در قالب «ارزیابی توصیفی» انجام گرفت، هرچند این تغییرات از جانب مسئولان برای بهبود ارزشیابی انجام شده، اما از آنجایی که زمینه‌ای برای آن وجود نداشته، هم معلمان و هم خانواده‌ها و هم دانش‌آموزان را تا حدودی گیج کرده است.

در همین مطالعه یکی از مهم‌ترین ایرادات سیستم جاری آموزش و پرورش را عدم آموزش مهارت‌های زندگی به دانش آموزان عنوان می‌کند. به اعتقاد مصطفی ملکیان در کتاب‌های درسی ما، از مهدکودک تا دکترا چیزی به عنوان هنر زندگی وجود ندارد. او با مقایسه مطالب غیر ضروری که در مدارس آموخته می‌شود و مهارت‌های کاربردی مهم که آموزش داده نمی‌شود می‌گوید: «چه سودی دارد که ما بدانیم صادرات پنبه آرژانتین بیشتر است یا پرو؟ وقتی که در زندگی عملی خودمان و در برابر آسان‌ترین مسائل و مشکلات دچار درماندگی می‌شویم.» وجود حجم بالایی از درس‌های غیر کاربردی و نبود هیچ درسی برای آموزش مهارت‌های ارتباطی با همسالان و خانواده، کنترل خشم، تصمیم‌گیری، مقابله با مشکلات و ... علاوه بر تاثیرات بلند مدت روانشناسی و اجتماعی بر روی دانش‌آموزان آن‌ها را با مدرسه بیگانه می‌کند

یکی دیگر از مواردی که به عنوان مسئله در این مطالعه به آن اشاره شده است، بی توجهی به تفاوت‌ها و استعدادهای گوناگون دانش آموزان است. بچه‌هایی که وارد مدرسه می‌شوند از طبقات اجتماعی متفاوت و با استعدادهای گوناگون هستند، اما در مدارس کشور امکان پرورش بسیاری از توانایی‌های هنری، ورزشی و ... دانش آموزان وجود ندارد. همین امر سبب می‌شود دانش آموز با درس‌های مشترکی که همه دانش‌آموزان وادار به یادگیری آن هستند، با بی میلی برخورد کند و در صورت توانایی مالی و ... علاقه خود را در موسسات خصوصی دنبال کند.

احمد صافی (۱۳۹۷) منابع شناسایی مسائل آموزش و پرورش را شامل:

- اظهار نظرها و تجارب کارگزاران و مسئولان آموزش و پرورش و مدیران جامعه
- معلمان مدیران و راهنمایان و مشاوران آموزشی و تربیتی
- کارشناسان و صاحب نظران آموزش و پرورش جامعه
- فراگیران
- گزارش‌ها، ارزشیابی‌ها و پژوهش‌های مختلف
- کنفرانس‌ها و سمینارهای علمی و تربیتی در سطح ملی و بین‌المللی
- رسانه‌های گروهی و وسایل ارتباط جمعی
- سازمانها و مراجعی که تربیت یافتگان آن دستگاه تعلیم و تربیت را جذب نموده و به خدمت می‌گیرند

مطالعه اسناد آموزش و پرورش از ۱۳۹۵-۱۳۹۰ هـ ش و دیدگاه صاحب‌نظران و مطالعات آسیب شناسانه نشان می‌دهد که آموزش و پرورش با چالش‌های برون‌سازمانی و درون‌سازمانی متعدد روبه‌رو بوده و به‌رغم تهیه طرح‌ها، برنامه‌ها و تلاش‌های انجام‌شده هنوز این وزارتخانه بزرگ و گسترده و مؤثر با چالش‌ها، مسائل و مشکلات متعددی مواجه است.

فصل سوم روش پژوهش

۱-۳ روش انجام مطالعه:

این مطالعه به شیوه کیفی و پیمایشی انجام می‌شود. بدین گونه که ابتدا از طریق مصاحبه از مدیران و کارشناسان و مدیران مدارس در حوزه‌های مختلف آموزش و پرورش شامل: آموزش، پشتیبانی، نوسازی، تربیت بدنی و سلامت، برنامه‌ریزی، پرورشی و مدارس، نظرات و دیدگاه‌ها جمع‌آوری می‌شود. پس از ثبت کامل محتوای مصاحبه‌ها، محتوا در چهار بخش فضا و تجهیزات، نیروی انسانی، محتوای آموزشی و منابع اعتباری کدگذاری و دسته‌بندی می‌شود. مجموعه مسائل و راهکارهای جمع‌بندی شده در گروه تلفیق مورد تحلیل قرار گرفته و مجموعه مسائل و راهکارها احصاء شده و ارائه خواهد شد.

در ارائه گزارش، برخی از شاخص‌های آموزش و پرورش به صورت تطبیقی، مقایسه‌ای با سایر کشورها ارائه خواهد شد.

۲-۳ برنامه درسی ملی درنگاهی جهانی

۱-۲-۳ قاره آسیا و اقیانوسیه

۱-۲-۱-۳ استرالیا

تحلیل، خلاصه‌سازی و نتیجه‌گیری

مروری مجدد بر آنچه که درمورد برنامه درسی ملی دراسترالیا مطرح شد؛ با توجه به شش مولفه اصلی که ملاک‌های تشکیل دهنده برای تحلیل و نتیجه‌گیری هستند یعنی: ۱- هدف‌ها و دیگر عناصر اصلی برنامه درسی ۲- برداشت‌ها و مفهوم‌سازی‌ها از برنامه درسی ملی ۳- الزامات قبلی، زمینه‌سازی‌ها و شرایط پذیرش ۴- ویژگی‌های ساختاری و اجرایی ۵- توجه به برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه ۶- توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی، نکات و ویژگی‌های زیر را نشان می‌دهد:

*هدف‌ها و عناصر اصلی برنامه درسی

- تا قبل از بیانیه ملبورن (۲۰۰۸) چیزی به نام برنامه درسی ملی (همگانی در کل ایالات و قلمروهای کشور استرالیا) وجود نداشته است. به بیانی قبل از آن، یک برنامه درسی ملی به مفهوم واقع در استرالیا نبوده است.

- برنامه درسی استرالیایی، دانش پایه‌ای مشترک، فهم و دریافت، مهارت‌ها و توانایی‌های عمومی مهم برای دانش‌آموزان استرالیایی را تنظیم می‌کند. آن حق یادگیری دانش‌آموزان را به عنوان بنیادی برای یادگیری آینده

آن‌ها، رشد و مشارکت فعال آن‌ها در جامعه محلی استرالیایی توصیف می‌کند. آن چیزی را که تمام استرالیایی‌های جوان همان‌طور که در طی دوره تحصیل مدرسه‌ای پیشرفت می‌کنند و احتمالاً یاد می‌گیرند را آشکار می‌کند.

*** برداشتها و مفهوم سازی‌ها از برنامه درسی ملی**

برنامه درسی ملی مبتنی بر توانایی‌ها به عنوان برداشت اصلی مورد تاکید است. توانایی‌های اساسی نمایانگر توانایی‌های شخصی مورد نیاز برای زندگی کردن، حفظ و نگهداری ارتباطات و شهروند بودن در قالب ملت - دولت در دنیایی است که به سمت جهانی شدن می‌رود. «توانایی کاری که مبتنی بر دانش است» چون: دسترسی به اطلاعات، تحلیل کردن، مفهوم ساختن، تصمیم‌گیری، پاسخ دادن، فهم چشم‌اندازهای متفاوت، استدلال اخلاقی، طرح مسئله و حل مسئله، کاوشگری و... مورد تاکید است.

«توانایی‌های عمومی» که می‌باید در سراسر برنامه درسی مورد توجه قرار گیرد و در برنامه درسی ملی جدید استرالیایی نیز شامل شده است؛ این موارد هستند:

سواد خواندن و نوشتن؛ سواد عددی؛ فاوا (ICT)؛ مهارت‌های تفکر؛ خلاقیت؛ خود اداره کردن؛ کار دسته جمعی؛ فهم درون فرهنگی؛ رفتار اخلاقی و صلاحیت اجتماعی.

علاوه بر آن برنامه درسی شامل «چشم‌اندازهای برنامه درسی» بدین شرح است:

چشم‌اندازهای بومی و احترام قائل شدن نسبت به فرهنگ بومیان اصیل؛ پایبندی به الگوهای پایدار زندگی؛ مهارت‌ها، دانش و فهم و دریافتی از استرالیا در آسیا.

*** الزامات قبلی، زمینه‌سازی‌ها، شرایط پذیرش**

- از مهم‌ترین الزامات آن است که تولید توانایی‌های اساسی یادگیری می‌باید از طریق مشارکت و گفت‌وگوهای حرفه‌ای به دست آیند؛ برنامه درسی می‌باید امکان پذیرش‌دهنده باشد. زمان و منبع در دسترس معلمان و دانش‌آموزان را در نظر بگیرد و همین‌طور، زمانی که نوعاً یادگیری مفاهیم و اندیشه‌های پیچیده به درازا می‌کشد. برنامه درسی می‌باید روی یک پایه‌ای از شواهد قوی مرتبط با یادگیری، دانش و روش تربیتی و آنچه که در ممارست و رویه حرفه‌ای کار می‌کند بنا شود و آن می‌باید معلمان را تشویق کند تا تجربیات و برزیدن‌هایشان را به صورت نظام‌دار تحلیل و ارزشیابی کنند.

*** ویژگی‌های ساختاری و اجرایی**

- در ساختار آموزشی و برنامه درسی غیرمتمرکز و گسترده‌ای چون استرالیا، مشارکت با تمام بخش‌ها و حکومت‌ها (ایالت‌ها و سرزمین‌ها) یک خط‌مشی ملی را چارچوب می‌دهد و از حکومت‌های ایالات و سرزمین‌ها خواسته می‌شود تا سازگاری و همسانی ملی بزرگتری را برپا کنند.

- با آغاز فرمان یاری کردن مدارس (یادگیری با هم-پیشرفت از طریق انتخاب و فرصت) در ژانویه ۲۰۰۵ ساختار تامین مالی مشترک المنافع برای مدارس تغییر کرد و یک مجموعه‌ای از ۱۱ خواسته مرتبط با اولویت‌های ملی حکومت استرالیایی برای آموزش و پرورش که نهادهای آموزشی می‌باید متحقق سازند تا منابع مالی برای مدارس را کسب کنند؛ مطرح گردید.

***توجه به برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه**

- درنظام غیرمتمرکزی چون استرالیا ضمن توجه به عناصر ملی همگانی و رویکردی که یکپارچگی برنامه درسی ملی را بازنمایی می‌کند درعین حال اجازه می‌دهد تا فضای مهم و معناداری هم برای تفسیر کردن محلی و بومی وجود داشته باشد. برنامه درسی می‌باید به قلمروهای حقوقی (ایالات) نظام‌ها و مدارس اجازه دهد تا آن را به راهی به اجرا درآورند که دانش تخصصی معلمان را بها دهد و دیگر آنکه نیازها و علائق آشکار درباخت‌های محلی را منعکس کند.

***توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی**

- دراسترالیا، الگوی پیشنهادی مشارکتی برای برنامه درسی ملی ازتحلیل بستروباخت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی معاصر، جامعه شهری وایالتی، تحولات اقتصادی جهانی، هویت‌های فردی واجتماعی استرالیا نشئت گرفته است.

۲-۱-۲-۳ چین

تحلیل، خلاصه‌سازی و نتیجه‌گیری

مروری برآنچه درفوق درمورد ابعاد و جوانب و ویژگی‌های کوشش‌های ژاپن در زمینه برنامه درسی ملی مطرح گردید در قالب شش مولفه اصلی که ملاک‌های تحلیل و جمع‌بندی نتایج این مطالعه هستند یعنی: ۱- هدف‌ها و دیگرعناصر اصلی برنامه درسی ۲- برداشت‌ها و مفهوم سازی‌ها از برنامه درسی ملی ۳- الزامات قبلی، زمینه‌سازی‌ها، شرایط پذیرش ۴- ویژگی‌های ساختاری و اجرایی ۵- توجه به برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه ۶- توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی، نکات و ویژگی‌های زیر را نشان می‌دهد:

*** هدف‌ها وعناصر اصلی برنامه درسی**

- درنظام آموزشی متمرکزی چون چین هدف از برنامه درسی ملی برابر کردن کیفیت آموزش فراهم شده در مدارس از طریق استاندارد کردن محتوای آموزشی و ایجاد انضباط وعدالت آموزشی درتمام مدارس و سرتاسر کشوراست. درعین حال، دردهه اخیر توسعه یک نظام آموزش و پرورش پایه جامع و هماهنگ؛ بناکردن ساختار جدید برنامه درسی؛ بازتاب دادن محتوای برنامه درسی مدرن؛ پیشبرد یادگیری سازنده؛ پیشبرد مردم سالاری و سازگارسازی برنامه درسی و شکل دادن ارزیابی مناسب ازدیگراهداف اساسی بوده است.

*** برداشت‌ها ومفهوم‌سازی‌ها از برنامه درسی ملی**

- درنظام آموزشی چین برداشتی تجویزی مبتنی بر رابطه تسلطی و نظم‌ی سلسله مراتبی از بالا به پایین و در سه سطح شامل: ۱- سطح برنامه درسی ملی ۲- سطح برنامه درسی استانی (ایالتی) ۳- سطح برنامه درسی مدرسه وجود دارد. گرچه این نظام سه سطحی، نوآوری‌های محدود آموزشی در سطح مدرسه یا محلی را تشویق می‌کند؛ اما برنامه درسی ملی هنوز انعطاف پذیری را در تدوین و اجرای برنامه درسی به خصوص در ارتباط با محتوای آموزشی محدود می‌کند.

*** الزامات قبلی، زمینه‌سازی ها، شرایط پذیرش**

- پاسخ‌گویی به چالش‌ها و فرصت‌ها در عصر جهانی شدن، از مهم‌ترین الزامات و زمینه‌سازی ها در اصلاح برنامه‌های درسی و تدوین برنامه درسی ملی بوده است. این تغییر برنامه درسی مقیاس بزرگ، از فرآیندها و کوشش‌های پیچیده و چند بُعدی چین در به قدرت رساندن نظام آموزشی‌اش دلالت می‌کند. اصلاح اساسی در حوزه برنامه درسی چین و استانداردهای برنامه درسی ملی نتیجه خواسته‌ها و تمایلات معدودی از مردم نیست. بلکه ناشی از وجود بحران در حوزه برنامه درسی است که به دولت فشار آورد تا این اصلاح را شروع کند و نظام آموزشی امتحان مدارک کهنه شده منسوخ گردد. درعین حال در عمل اصلاح برنامه درسی با مقدار قابل توجهی مشکلات روبه رو می‌شود.

*** ویژگی‌های ساختاری و اجرایی**

- در ساختار برنامه "برنامه درسی متمرکز" چون چین، برنامه درسی ملی در واقع مرکز نظم‌دهنده نظام برنامه درسی است و در راستای سیاست ترجیحی دولت مرکزی، به آموزش و پرورش چین جهت می‌دهد. درعین حال، مدیریت برنامه درسی به سمت یک کوشش متصل با حکومت مرکزی، حکومت‌های محلی و مدارس، تمرکز زدایی می‌شود تا تناسب و ارتباط برنامه درسی با موقعیت‌های محلی قدرتمندتر گردد. استانداردهای برنامه درسی ملی نیز یک چارچوب راهنمای عمومی و معیارهایی برای آموزش، ارزشیابی عملکرد مدارس و تدوین کتاب درسی فراهم می‌کند.

*** توجه به برنامه درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه**

- به طور خلاصه، برحسب رئیس برنامه اصلاحی (۲۰۰۱) برنامه درسی کوشش می‌کند تا سه تغییر شکل و دگرگونی را به اجرا درآورد. تغییر شکل و دگرگونی از «تمرکزگرایی» به سمت «تمرکززدایی» در خط مشی و سیاست برنامه درسی، تغییر شکل از «برنامه درسی علمی دیسیپلین محور» به «برنامه درسی سازندگی جامعه محور» به سوی «یاد دهی بر مدار کاوشگری» در پارادایم یاد دهی.

*** توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی**

- درچین، برای بهبود نظام آموزشی و کیفیت آن و همین‌طور آماده کردن شهروندانی با دانش و مهارت‌های لازم برای دنیایی که به صورت فزاینده‌ای به سمت جهانی شدن می‌رود. وزارت آموزش و پرورش رئیس اصلاح برنامه درسی آموزش و پرورش پایه را با تاکید بر توجه به تحول فردی هر دانش‌آموز عرضه کرده است. برنامه درسی ملی جدید ارزش‌ها و رویه‌های آموزشی سنتی چینی را به طرز شگفت‌انگیزی تغییر می‌دهد.

۳-۱-۲-۳ ژاپن

مروری مجدد بر آنچه که در مورد برنامه درسی ملی در ژاپن مطرح شد با توجه به شش مولفه اصلی که ملاک‌های تشکیل دهنده برای تحلیل و نتیجه‌گیری هستند؛ یعنی: ۱- هدف‌ها و دیگر عناصر اصلی برنامه درسی ۲- برداشت‌ها و مفهوم سازی ها از برنامه درسی ملی ۳- الزامات قبلی، زمینه‌سازی ها، شرایط پذیرش ۴- ویژگی‌های ساختاری

و اجرایی ۵- توجه به برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه ۶- توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی، نکات و ویژگی‌های زیر را نشان می‌دهد.

*** هدف ها و عناصر اصلی برنامه درسی**

- در نظام های آموزشی تا حدودی متمرکز چون ژاپن برنامه درسی مقرر علاوه بر موضوعات اجباری، شامل آموزش‌های اخلاقی و فعالیت‌های ویژه است که از طریق دروس تلفیقی عرضه می‌شود. هدف دروس تلفیقی یاری رساندن به کودکان در یادگیری موضوعات میان برنامه درسی از قبیل مطالعه محیط‌زیست، فهم و دریافت بین‌المللی و موضوعات مورد توجه خاص فرد- فرد کودکان است. یادگیری تجربی از قبیل تجربیاتی در طبیعت، تجربیات زندگی اجتماعی، مشاهده، آزمایش کردن، مطالعه میدانی و تحقیق و واری و کار روی پروژه همین طور یادگیری از طریق حل مسئله را وارد برنامه می‌کند؛ بر تجربیات سازنده یادگیری و ابعاد پداگوژیک برنامه درسی تاکید می‌شود.

*** برداشت ها و مفهوم سازی‌ها از طریق برنامه درسی ملی**

- فلسفه مبنایی در مورد استانداردهای موجود ملی و به معنایی برداشت از آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی، تقویت توانایی‌های اساسی یادگیری در دانش آموزان است. هم‌چنین، توانا ساختن کودکان برای کسب یک رشد و تحول متوازن و مجهز کردن آنها برای سرکردن با تغییرات اجتماعی. این اشاره می‌کند که آموزش و پرورش نیاز خواهد داشت تا روی توسعه کیفیت‌ها و مهارت‌هایی متمرکز شود تا بدین‌وسیله دانش‌آموزان را قادر سازد تا مسائل را برای خودشان شناسایی کنند؛ به صورت مستقل فکر کنند؛ به صورت مستقل قضاوت کنند و مسائل را به صورت اثر بخش‌تری چارچوب دهند و حل کنند. آن هم چنین طراحی شده است تا پشتیبانی مناسبی برای فعالیت‌های یادگیری مستقل دانش‌آموزان فراهم کند.

*** الزامات قبلی، زمینه‌سازی‌ها، شرایط پذیرش**

یکی از مهم‌ترین الزامات و زمینه‌سازی‌های استانداردهای برنامه درسی ملی در ژاپن آن است که معلمان مدرسه می‌باید فلسفه‌های پایه‌ای استانداردهای جدید را بفهمند. نکته خیلی مهم در تحول برنامه درسی ملی همین فهم فلسفه و دیدگاه برنامه درسی تحول یافته توسط دست‌اندرکاران است. آنها باید قادر باشند تا برنامه درسی مناسب و درخور را در مدرسه‌هایشان طراحی کنند؛ شرایط واقعی مدرسه و جامعه محلی را در نظر گیرند.

- مهم ترین دلایل بازنگری و ایجاد تغییرات برنامه‌های درسی در ژاپن، چنین بوده است: ۱- تقاضای دایما رو به فزونی مردم برای هم‌زمانی و همگامی برنامه‌های آموزش و پرورش با تحولات روزانه ۲- نیازهای اجتماعی و فرهنگی عصر جدید اطلاعاتی و ارتباطی ۳- اساسی بودن داشتن تمهیدات و تدارکات ضروری به فراخور نیازهای قرن بیست و یکم ۴- تقاضای عمومی برای آموزش و پرورش مادام العمر ۵- موقعیت ژاپن در زمینه بین‌المللی.

***ویژگی‌های ساختاری و اجرایی**

- در ژاپن، وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ، ورزش، علوم و فناوری و ... یا همان مونیوشو خطوط راهنمای ملی برای برنامه درسی مدارس را تعیین می‌کند و استانداردهای برنامه درسی ملی هر ده سال یک بار برای اینکه با زمان مطابقت داشته باشد؛ بازنگری می‌شوند. در ساختار برنامه درسی متمرکزی چون ژاپن، مدارس در انطباق با قانون آموزش و پرورش مدارس، مقررات لازم‌الاجرا برای این قانون و استانداردهای ملی برنامه درسی خودشان را سازمان می‌دهند. شرایط واقعی مدرسه و جامعه محلی و مرحله رشد ذهنی و جسمانی کودکان ثبت نام شده، و همین‌طور ویژگی‌های خودشان را در نظر می‌گیرند و برنامه درسی معمولاً با همکاری معلمان تدوین می‌شود.

*** توجه به برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روند های نوآورانه**

- در ژاپن چنین در نظر گرفته شده تا هر مدرسه‌ای برنامه آموزشی خودش را در راستای قوانین و استانداردهای برنامه درسی ملی مرتبط تنظیم نماید. ضمن اینکه شرایط و مشخصات واقعی مدرسه و هر جامعه محلی را کاملاً مورد توجه قرار دهد. ژاپن در اوایل قرن بیست و یکم و سال‌های ۲۰۰۰ در اواسط اصلاحات مدرسه ای بوده است. گرچه استانداردهای برنامه درسی ملی توسط وزارت آموزش و پرورش، فرهنگ، ورزش و فناوری تعیین می‌شود؛ (اما) مقامات آموزشی محلی و مدارس اخیراً در ارتباط با تعیین اینکه بهترین برنامه درسی برای دانش‌آموزان چیست؛ از اقتدار بیشتری برخوردار شده‌اند و برای موفقیت اصلاح مدرسه، اینکه مدارس و معلمان بتوانند استقلال‌شان را برقرار سازند؛ مطلبی کلیدی است.

*** توجه به حوزه دیدگاه های برنامه درسی**

- به نظر می‌رسد؛ ژاپنی‌ها در مجموع بر آموزش و پرورش متوازن و پایه در ارتباط با برنامه درسی بر تلفیق دیدگاهی مبتنی بر رشد متوازن شناختی، انسانی و اجتماعی تاکید دارند. مطابق با شرایط زمانه پیشرفت‌های نوآورانه علمی، فناوری و ارتباطی، اقتصادی و محیط‌زیستی در نگاهی جهانی از معیارهای جهت دهنده به دیدگاه برنامه درسی در ژاپن است. ژاپنی‌ها به نظر می‌رسد دقیقاً چنین تمایل و دیدگاهی دارند: از استانداردهای یکنواخت ساختارزایی می‌کنند؛ از فشارهای امتحانات ملی دوری می‌گزینند؛ روی علائق و توان بالقوه هر دانش‌آموز بیشتر متمرکز می‌شوند. ژاپنی‌ها اعتقاد دارند؛ مدارس نه تنها باید مهارت‌های علمی را یاد بدهند بلکه خصیصه‌های خوب شخصیتی را نیز باید بیاموزند.

۴-۱-۲-۳ هندوستان

تحلیل، خلاصه‌سازی و نتیجه‌گیری

مرور و تحلیل و خلاصه‌سازی آن چه که در مورد برنامه درسی ملی در کشور هندوستان مطرح شد و در قالب شش مولفه اصلی که در ابتدا بدان اشاره شد و در واقع ملاک‌های تحلیل و جمع بندی نتایج این مطالعه هستند یعنی: ۱- هدف‌ها و دیگر عناصر اصلی برنامه درسی ۲- برداشت‌ها و مفهوم سازی‌ها از برنامه درسی ملی ۳-

الزامات قبلی، زمینه سازی‌ها، شرایط پذیرش ۴- ویژگی‌های ساختاری و اجرایی ۵- توجه به برنامه ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روند های نوآورانه ۶- توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی، نکات و ویژگی‌های زیررا نشان می دهد.

*** هدف‌ها و عناصر اصلی برنامه درسی**

با توجه به چارچوب برنامه درسی ملی جدید (۲۰۰۵)، تغییرات معنی‌داری در جهت متناسب‌تر ساختن آموزش و پرورش با زمان حاضر و نیازهای آینده و سبک کردن فشارهایی که کودکان امروز با آن سر می‌کنند؛ توصیه شده‌اند. چارچوب برنامه درسی ملی، نرم‌تر کردن محدوده‌های موضوعی را توصیه می‌کند تا کودکان طعمی از دانش تلفیق شده و لذت فهمیدن را بچشند. در هندوستان علی‌رغم گوناگونی قابل توجه رویکردها، مضمون «یادگیری» برای کودکان در هر مدرسه‌ای از بیشترین تاکید به عنوان هدف برخوردار است. چارچوب برنامه درسی توجهی به چهار زمینه دیگر برنامه درسی نیز معطوف می‌کند: کار؛ هنرها و میراث هنرهای دستی؛ بهداشت؛ تربیت بدنی و صلح.

*** برداشت‌ها و مفهوم سازی‌ها از برنامه درسی ملی**

- هندوستان طبق قانون اساسی‌اش به عنوان یک جامعه سکولار، تساوی طلب و کثرت گرا، که روی ارزش‌های عدالت اجتماعی و برابری بنا شده؛ در نتیجه برداشتی مبتنی بر ایجاد بعضی توانایی‌های اساسی یادگیری چون: استقلال، تفکر و عمل، حساس بودن نسبت به رفاه و آسایش و احساسات دیگران، یادگیری پاسخ به موقعیت‌های جدید به روشی منعطف و خلاق مورد تاکید است. هم‌چنین از دیگر مفهوم سازی‌ها، داشتن زمینه و تمایل قبلی به سوی مشارکت در فرایندهای مردم سالارانه و توانایی کار در جهت مشارکت و همراهی کردن در فرایندهای اقتصادی و تغییر اجتماعی است. خط مشی ملی آموزش و پرورش یک چارچوب ملی برای برنامه درسی را پیشنهاد کرده که درعین آنکه از یک هسته مشترک ارزش‌ها همراه با مولفه‌های علمی مراقبت می‌کند؛ در پاسخ گویی به محیط‌های جغرافیایی و فرهنگی مختلف هندوستان توانا باشد.

الزامات قبلی، زمینه‌سازی‌ها، شرایط پذیرش

بعضی توصیه‌ها و خطوط راهنما در چارچوب برنامه درسی ملی (۲۰۰۵) بدین شرح آمده:

۱- برنامه درسی باید تجربه و فضای کافی برای گفتمان و گفتگو در مدرسه برای ساختن پای بندی‌های اساسی در کودکان را فراهم کند ۲- استقلال، فکر و عمل که بر ایجاد یک ظرفیت و توانایی تصمیم‌سازی ارزش‌مدار تاکید می‌کند ۳- حساس بودن و توجه به احساسات و عواطف دیگران، همراه با دانش و فهمی از جهان ۴- یادگیری (چگونه) آموختن و تمایل به نیاموختن و دوباره آموختن به عنوان وسایلی برای پاسخ‌گویی به موقعیت‌های جدید به طریقی منعطف و خلاق برنامه درسی بر فرایندهای ساختن دانش تاکید می‌کند ۵- افزایش قدرت انتخاب در زندگی و توانایی شرکت کردن در فرایندهای مردم‌سالارانه که به توانایی مشارکت در جامعه از طرق مختلف و بستر مناسب بستگی دارد.

*** ویژگی‌های ساختاری و اجرایی**

- در هندوستان با توجه به اینکه دپارتمان‌های ایالتی آموزش و پرورش اختیار قابل توجهی دارند؛ برنامه عمل که مبتنی بر خط‌مشی ملی آموزش و پرورش است؛ عمدتاً به تشریح جزئیات برداشت از خط‌مشی ملی آموزش و پرورش از طریق تاکید کردن برتناسب و ارتباط، انعطاف‌پذیری و کیفیت آموزش به عنوان ویژگی‌های چارچوب برنامه‌درسی ملی پرداخته است. از چالش‌های ساختاری و موانع اجرایی بین نظر و عمل در هندوستان، کتاب‌های درسی است که هنوز به این که اولین منبع برای آموزش و پرورش در مدارس باشند؛ ادامه می‌دهند. فقدان منابع برای معلمان کار آنها را مشکل‌تر کرده تا مواد یاددهی- یادگیری را در تکمیل استفاده از کتاب‌های درسی، تدوین کنند. معلمان به تدریس از طریق رویه‌های کهنه تعلیماتی ادامه می‌دهند؛ در نتیجه بیشتر وابسته به کتاب‌های درسی می‌شوند که برای بیشتر مدارس و خانواده‌ها، تنها ابزار کسب سواد هستند و این در حالی است که سیاست و خط‌مشی و فرمان (۲۰۰۹) می‌خواهد؛ دپارتمان‌های محلی آموزش و پرورش رویکردی تلفیقی را مورد تاکید قرار دهند.

*** توجه به برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه**

در چارچوب برنامه درسی ملی (۲۰۰۵) جوو شخصیت مدرسه به عنوان یک بعد برنامه درسی مورد بحث واقع می‌شود. تقویم تحصیلی مدرسه و جداول زمانی منعطف و برنامه ریزی شده محلی که مقاطع زمانی با طول‌های مختلف را اجازه می‌دهد، برای انواع مختلف فعالیت‌ها مورد خواست است. فعالیت‌هایی از قبیل کارپروژه‌ای و گردش‌های بیرون از مدرسه و بردن کلاس به مکان‌های طبیعی و میراث فرهنگی، توصیه می‌شوند.

*** توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی**

- در چارچوب برنامه درسی ملی جدید هندوستان، از اصول راهنما برای تدوین برنامه درسی که در واقع نشان‌دهنده دیدگاه‌های حاکم بر برنامه درسی است؛ مواردی چون: ۱- اتصال دانش به زندگی خارج مدرسه ۲- غنی کردن برنامه درسی تا آن که فراتر از کتاب‌های درسی برود ۳- امتحانات را منعطف تر ساختن و تلفیق کردن آنها با زندگی و کلاس درس ۴- پرورش یک هویت برجسته و آگاهی یافته در اثر توجهات دلسوزانه درون خط‌مشی مردم‌سالارانه کشور را می‌توان نام برد.

۲-۲-۳ کشورهای مسلمان

۱-۲-۳ ترکیه

مروری تحلیلی و درعین حال جمع‌بندی کننده در آنچه که در مورد ویژگی‌های کوشش‌های ترکیه در زمینه برنامه درسی مطرح گردید؛ با در نظر داشتن شش مولفه اصلی که ملاک‌های تحلیل و جمع‌بندی نتایج هستند یعنی ۱- هدف‌ها و دیگر عناصر اصلی برنامه درسی ۲- برداشت‌ها و مفهوم‌سازی‌ها از برنامه درسی ملی ۳- الزامات قبلی، زمینه‌سازی‌ها، شرایط پذیرش ۴- ویژگی‌های ساختاری و اجرایی ۵- توجه به برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه ۶- توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی، نکات و ویژگی‌های زیر را نشان می‌دهد.

***هدف ها و عناصر اصلی برنامه درسی**

- با توجه به تحولات یکی دو دهه اخیر در ترکیه و حرکت به سمت اروپایی تر شدن در برنامه ها و آموزش ها، رویکردها و اهداف عمده برنامه های جدید (قصد شده) بدین شرح مورد توجه قرار گرفته اند: تمرکز قابل توجه تر روی فعالیت های یاددهی دانش آموز مدار به جای رویکردهای موضوع مدار و معلم مدار؛ تشویق یادگیری از طریق پژوهش و خود تجربه کردن؛ بهبودی دادن گوناگونی در روش ها و مواد یاددهی؛ مراقبت کردن از ارتقای مهارت های دانش آموزان به جای صرفاً انتقال اطلاعات؛ بهبودی دادن تعامل و همکاری بین دانش آموزان در فرایند یاددهی و یادگیری؛ استفاده از روش ها و ابزارهای ارزیابی اثربخش تر؛ بهبودی دادن استفاده از فناوری های اطلاعاتی و ارتباطی در فعالیت های یاددهی و یادگیری.

- نکته مهم آن است که در عمل، برنامه های درسی عمدتاً پایبند به رویکرد برنامه های قبلی مانده و یاددهی موضوعات به صورت سنتی همراه با جزییات در برنامه درسی ترسیم می شود.

*** برداشت ها و مفهوم سازی ها از برنامه درسی ملی**

- در ترکیه، نظام آموزشی در حال دور شدن از برداشتی سنتی و موضوع مدار و مبتنی بر انتقال معلومات از برنامه درسی ملی است که فضای کافی برای اجرای راهبردهای معاصر یاددهی در اختیار قرار نمی دهد. اصلاح برنامه درسی ابتدا در سال ۲۰۰۴ در سطح مدارس ابتدایی وارد گردید و در خلال سال هایی که به دنبال آمد، برنامه درسی در بیشتر دروس هم در آموزش و پرورش ابتدایی و هم در دوره عمومی و متوسطه، از نو تدوین گردید. در جهت تجهیز تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی (NCF) و مواد کمک آموزشی برای مدارس و تجهیزات آموزشی آنها و رفع محرومیت های بسیاری از مدارس، به خصوص در مناطق روستایی کوشش قابل توجهی شده است.

*** الزامات قبلی، زمینه سازی ها و شرایط پذیرش**

در ابتدای این قرن اخیر تغییراتی که در ترکیه به وقوع می پیوندد و زمینه ای در راستای رعایت بیشتر استانداردهای اروپایی در کلیه زمینه های زندگی اجتماعی، روابط اقتصادی، سیاسی، رعایت قانون و حقوق شهروندی، گسترش تکنولوژی های ارتباطی و اطلاعاتی و تطابق با استانداردهای اروپایی در زمینه های آموزشی مطرح می شود؛ از نظام آموزشی ترکیه انتظار می رود تحولاتی را در برداشت و روند حرکت آموزش و پرورش به وجود آورد. تغییراتی که اخیراً مورد توجه قرار گرفته و معلوم می کنند که آموزش و پرورش ترکیه دوره انتقالی را طی می کند.

*** ویژگی های ساختاری و اجرایی**

در قالب نظامی متمرکز پنج سطح تصمیم سازی (سلسله مراتبی) در حوزه برنامه درسی وجود داشته است. سطوح ملی، منطقه ای، موسسه ای، دپارتمانی، فردی (معلم).

در سطح موسسه ای (مدرسه) مدارس نقش مجری برنامه درسی را دارند و دانش آموزان و انجمن اولیا در اجرا و بازبینی برنامه درسی چندان موثر نیستند. ترکیه تا اوایل سال های ۲۰۰۰، از ساختار کاملاً متمرکز و حکومت

مدارانه در تصمیم‌گیری‌های مربوط به برنامه درسی برخوردار بوده است و کلیه تصمیمات توسط مقامات مرکزی گرفته می‌شده است؛ اما درسال‌های اخیر تغییراتی صورت گرفته است. به طور کلی چالش‌های ساختاری و اجرایی قبل از رسیدن به اهداف مطرح شده در بیانیه اصلاح وجود دارد. مواردی چون: فقدان مواد و فرصت‌های تعلیم یافتن برای معلمان، منابع و مواد کمیاب، فقر زیربنای فناوری و تسهیلات فیزیکی، محدود شدن مشارکت فعالان جامعه شهری و دانشگاه‌ها در تدارک و آماده‌سازی برنامه‌های درسی و بالاخره اینکه معلمان به شدت وابسته به محتوای ترسیم شده در طرح برنامه درسی هستند و برنامه جدید درخلق یک فضای بزرگتر برای خودمختاری معلمان و اینکه نقش مهمی در فرایند تدوین برنامه درسی داشته باشند؛ موفق نبوده است.

***توجه به برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه**

- از اوایل قرن اخیر ترکیه در یک فرایند اصلاح برنامه درسی است که متضمن یک تغییر در پارادایم آموزش و پرورش است. انتقال از یک رویکرد تا حدودی رفتارگرایی خالص به یک رویکرد سازنده‌گراتر و گلچین‌کننده که استلزامات گسترده‌ای دارد و به کل نظام آموزشی سرایت می‌کند.

*** توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی**

- در ترکیه تغییراتی در جهت گیری سنتی برنامه درسی موضوع مدار به سمت برداشت‌های معاصرتر دانش‌آموز مدار و ورود تلفیقی از دیدگاه‌های برنامه درسی فناورانه و پیشرفت‌گرایانه و تا حدودی ایدئولوژی‌های آزادی‌خواهانه تربیتی در نظام برنامه درسی دیده می‌شود.

۲-۲-۲-۳ مالزی

تحلیل، خلاصه‌سازی و نتیجه‌گیری

مروری تحلیل‌گونه و خلاصه‌کننده آنچه که در فوق در مورد ابعاد و جوانب و ویژگی‌های کوشش‌های مالزی در زمینه برنامه درسی ملی مطرح گردید؛ در قالب شش مولفه اصلی مورد نظراین مطالعه که ملاک‌های تحلیل و جمع‌بندی نتایج هستند؛ یعنی: ۱- هدف‌ها و دیگر عناصر اصلی برنامه درسی ۲- برداشت‌ها و مفهوم‌سازی‌ها از برنامه درسی ملی ۳- الزامات قبلی، زمینه‌سازی‌ها، شرایط پذیرش ۴- ویژگی‌های ساختاری و اجرایی ۵- توجه به برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه ۶- توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی، نکات و ویژگی‌های زیر را نشان می‌دهد.

***هدف‌ها و عناصر اصلی برنامه درسی**

بعد از استقلال مالزی در سال ۱۹۵۶ تا چند دهه، هدف نهایی سیاست آموزش و پرورش در این کشور دورهم آوردن کودکان تمام نژادها تحت یک نظام ملی آموزش و پرورش بوده است که در آن زبان ملی (مالایایی) واسطه و رسانه اصلی آموزش است. برنامه درسی ملی تاکید روی توسعه و تحول کل‌نگر و توانایی افراد قرار می‌دهد و می‌خواهد فرصت‌هایی برای هر فرد فراهم کند تا مهارت‌های اساسی، دانش، ارزش‌ها، نگرش‌ها، علائق و استعدادها را در این

مهارت‌ها توسعه دهد: مهارت‌های اجتماعی؛ مهارت‌های عقلانی؛ مهارت‌های جسمانی (فیزیکی)؛ مهارت‌های معنوی. ارزش‌های زیباشناختی (خلاقیت و قدرشناسی)؛ ارزش‌های اخلاقی؛ مهارت‌های فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی. - در آموزش‌های مذهبی در مدارس که دانش‌آموزان آن مسلمان هستند و کلاس تربیت اخلاقی برای غیرمسلمانان برگرفته از متون مذهبی خودشان، تاکید می‌شود. در مدارس به سبک ملی که اقلیت‌های قومی در آن‌ها حضور دارند به زبان محلی آن‌ها توجه می‌شود. با شروع سن ده سالگی، کلاس‌های درسی در زمینه «مدنی و شهروندی» در تمام مدارس و برای تمام دانش‌آموزان آغاز می‌شود. هدف آموزش شهروندی القای احساس میهن‌دوستی برای ملیت مالزیایی، ارتقای آگاهی مدنی دانش‌آموزان و یاد دادن زندگی با هم در جامعه‌ای متکثر و مردم‌سالار است.

*** برداشت‌ها و مفهوم‌سازی‌ها از برنامه درسی ملی**

- برداشتی مبتنی بر کیفیت و تناسب آموزش و پرورش با نیازهای فردی و بنیادی ملت، اولویت بسیار بالایی در برنامه توسعه ملی دارد. آموزش و پرورش در مالزی یک کوشش ادامه‌داری به سوی تحول و توسعه بیشتر توانایی بالقوه افراد در یک حالت وحدت یافته است تا آنکه افرادی را تربیت کند که بر مبنای یک اعتقاد قطعی درونی و پرستش خداوند، از نظر عقلانی، معنوی، عاطفی و جسمانی متعادل و هماهنگ باشند.

*** الزامات قبلی، زمینه‌سازی‌ها، شرایط پذیرش**

- از الزامات اصلاح آموزش و پرورش ملی و تولید برنامه درسی ملی در نظام‌های متمرکز و دارای گرایش‌های مسلط سیاسی مذهبی چون مالزی که در گزارش تیم پژوهشی درمورد برنامه کارآموزش وپ رورش مالزی (۲۰۱۳) نتیجه گرفته شده؛ توجه به اصول فرصت‌های برابر و شامل کردن چند فرهنگی و اصلاح آموزش و پرورش سیاسی شده است.

*** ویژگی‌های ساختاری و اجرایی**

- به دنبال استقلال مالزی از انگلستان، حکومت روی بنا کردن ملت و توسعه یک نظام ملی آموزش و پرورش که به جای نظام تفرقه‌انداز سال‌های قبل از استقلال قرار گیرد؛ متمرکز گردید. در این سال‌ها خط مشی جدید اقتصادی تدوین گردید؛ آموزش و پرورش اقشار فقیر و انجام کوشش‌هایی برای فراهم کردن فرصت‌هایی برای مالایایی (که عمدتاً در مناطق روستایی زندگی می‌کردند) مورد توجه قرار گرفت. در اکتبر سال ۲۰۱۱، وزارت آموزش و پرورش یک بازبینی جامع نظام آموزشی در مالزی را آغاز کرد تا آنکه یک طرح کلی و برنامه کاری جدی آموزش و پرورش ملی را تدوین کند. وزارت مذکور به منابع زیادی از جهت ورود آراء و اندیشه‌ها توجه کرد. این طرح کلی و برنامه کاری یک منظری از نظام آموزش و پرورش و دانش‌آموزان را که مالزی نیاز دارد؛ ارائه می‌کند.

*** توجه به برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه**

- در حرکت اصلاح نظام آموزشی مالزی طرح کلی برنامه کاری بیانگر توجه به قدرت انتخاب و اقتدار مدرسه در برنامه درسی و آموزش‌هاست. چنانکه کسب اطمینان از وجود رهبران مدرسه‌ای با عملکرد بالا در هر مدرسه و

قدرت دادن به مدارس برای متناسب و سفارشی ساختن راه حل‌ها بر اساس نیازها از تغییرات راهبردی (۲۰۱۲) اعلام شده است.

*** توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی**

- در گزارش ملی توسعه آموزش و پرورش (۲۰۰۱)، اصل اساسی و دیدگاه حاکم نظری در برنامه‌ریزی و طراحی برنامه درسی ملی مالزی، رویکرد تلفیقی مطرح شده است. تلفیق و تزریق جنبه‌های ویژه‌ای از آموزش و پرورش چون ارزش‌های اخلاقی، میهن‌پرستی، علوم و فناوری، زبان، آموزش محیطی، مهارت‌های مطالعه، تفکر خلاق و نقاد، گذر سالم در سرتاسر رشته‌های مصنوعی یک سیمای ویژه در برنامه درسی مالزی است. مواردی چون آموزش و پرورش محیطی و زیست محیطی در سراسر برنامه درسی آموزش داده می‌شود.

۳-۲-۳ قاره اروپا

۳-۲-۳-۱ فنلاند

تحلیل، خلاصه‌سازی و نتیجه‌گیری

مروری بر آنچه که در مورد ابعاد و جوانب و ویژگی‌های کوشش‌های فنلاند در زمینه برنامه درسی ملی الزامی و تحولات قابل توجه این کشور در حوزه برنامه درسی و آموزش در چهار دهه اخیر مطرح گردید و با توجه به شش مولفه اصلی که ملاک‌های تحلیل و جمع بندی نتایج این مطالعه هستند یعنی: ۱- هدف‌ها و دیگر عناصر اصلی برنامه درسی ۲- برداشت‌ها و مفهوم سازی‌ها از برنامه درسی ملی ۳- الزامات قبلی، زمینه‌سازی‌ها، شرایط پذیرش ۴- ویژگی‌های ساختاری و اجرایی ۵- توجه به برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه ۶- توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی؛ در مجموع ویژگی‌های زیر را می‌توان استخراج کرد.

*** هدف‌ها و عناصر اصلی برنامه درسی**

در کشوری با نظامی نیمه‌متمرکز چون فنلاند برنامه درسی پایه مشترک ملی، حاوی اهداف و رؤس محتوای اصلی یاددهی برای تمام موضوعات مدرسه‌ای است و همچنین ماموریت، ارزش‌ها و ساختار آموزش و پرورش را توصیف می‌کند. آن برداشت و مفهوم از یادگیری، فرهنگ مدرسه و روش‌های کار کردن روی برنامه درسی و آموزش را توصیف می‌کند. این به برنامه درسی الزامی {پایه مشترک} یک نقش دوگانه‌ای می‌دهد. از یک طرف آن یک سند راهبردی و هدایت اداری است؛ از طرف دیگر ابزاری برای معلمان است تا رویه‌های پداگوژیک خودشان را توسعه دهند. ماموریت و کمال آموزش و پرورش پایه متضمن مهارت‌های شهروندی مورد نیاز جامعه و آینده‌های فردی است. مهارت‌های شهروندی، ابزارهایی هستند که یادگیری عمیق تر و دانش کاربردی را حمایت می‌کنند.

* برداشت‌ها و مفهوم‌سازی‌ها از برنامه درسی ملی

- درنظام آموزشی فنلاند که تاکید قابل توجهی بر قدرت انتخاب و اختیار عناصر اصلی درگیر در فرایند آموزش و انسانی‌تر شدن ابعاد پداگوژیک وجود دارد. برنامه درسی ملی به سمت آن نیست تا چیزهای خیلی زیادی را تحت عنوان برنامه درسی ابلاغی برای معلم بنویسد؛ بلکه کوشش بر آن است تا چارچوبی تدوین شود که با توجه به آن، مدرسه خودش برنامه درسی را تدوین کند. درچنین کشورهایی این اعتقاد وجود دارد که مدارس و معلمان می‌باید از زبان بیشتری دربرنامه درسی برخوردار باشند. دراین حالت برداشتی بسیار مبتنی بر مدرسه و اقتدار عناصر اصلی درگیر در فرایند آموزش و برنامه درسی وجود دارد. یک فرهنگ تنوع و گوناگونی، درون جامعه فنلاندی به طورعام و درون نظام آموزش و پرورش به طور خاص، اعتماد و احترام ایجاد کرده است. اندیشه نوع دوستی و دلسوزی برای دانش‌آموزان از نظر تربیتی و شخصی یک اصل مرکزی در مدارس است.

* الزامات قبلی، زمینه سازی‌ها، شرایط پذیرش

- نظام فعلی برنامه درسی در فنلاند (۲۰۱۱) بر مبنای سه اندیشه اساسی پایه گذاری شده است. ۱- مدیریت توسط هدف‌هایی که در قانون و در برنامه درسی پایه مشترک ملی عرضه شده است. ۲- خودمختاری مقامات شهری در فراهم کردن و سازماندهی آموزش و پرورش: برنامه درسی محلی به عنوان یک سند راهبری در سطح محلی ۳- بهره‌گیری از معلمان به عنوان کارشناسان و متخصصان ارزشمند در زمینه برنامه درسی مبتنی برمدرسه. - درفنلاند نتایج قابل توجه به دست آمده درحوزه برنامه درسی و آموزش به سرمایه گذاری فزاینده در تربیت معلم نسبت داده می‌شود.

- اصول عمومی و برجسته نظام آموزشی فنلاندی را به این شرح می‌توان خلاصه کرد: ۱- منابع برای آن‌هایی که بیش از همه بدان نیازدارند ۲- استانداردهای بالا و حمایتی برای نیازهای ویژه ۳- معلمان با کیفیت ۴- ارزشیابی آموزش و پرورش ۵- تعادل بین تمرکززدایی و تمرکزگرایی.

* ویژگی‌های ساختاری و اجرایی

- فرایند تولید برنامه درسی ملی در فنلاند را به عنوان اینکه هم دموکراتیک است و هم سلسله مراتبی می‌توان تلقی کرد (۲۰۱۲). مربیان، والدین، و یک میدان گسترده‌ای از ذینفعان و شرکا محل مشورت قرار می‌گیرند. فرایند تدوین برنامه درسی، مدیران مدارس، اتحادیه معلمان و کادر مدارس را به عنوان یک خط‌مشی، برای بناکردن توافق و احساسی از تملک برنامه درسی شامل می‌شود.

- برنامه درسی پایه مشترک ملی، نقش مهم توسعه‌ای در نظام تحصیلی مدرسه فنلاندی دارد. این برنامه یک چارچوب اساسی است که در اطراف آن برنامه‌های درسی محلی طراحی می‌شوند. آن یک ساختار مشترک و خطوط راهنمای بنیادی برای مدرسه و معلمان تعیین می‌کند.

*** توجه به برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه**

- بهره‌گیری از معلمان به عنوان کارشناسان و متخصصان ارزشمند که برنامه درسی مبتنی بر مدرسه را به عنوان منبعی برای رویکردهای مختلف به کار تحصیلی مدرسه تدوین می‌کنند؛ ازسیماهای اصلی نظام برنامه درسی فنلاند است.

*** توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی**

- نیازهای تحولی مربوط به آینده و تغییرات جهانی و تاثیر آن بر فرایند یادگیری در تحول دیدگاهی و نوسازی برنامه‌های درسی فنلاند موثر بوده است. ورود تفکر برنامه درسی و تحول در دیدگاه زمانی اتفاق افتاد که پنداشته شد؛ محتوای برنامه درسی فنلاندی نیاز به اصلاح دارد. به جای یاددهی و محتوا، یادگیری نقطه کانونی آموزش و پرورش شد. این به معنای آن بود که علاوه بر اهداف ویژه موضوعی، برنامه درسی همچنین اهداف گسترده‌تر یادگیری، ازجمله پیامدهای یادگیری را شامل کند.

۴-۲-۳ قاره آمریکا:

۱-۴-۲-۳ ایالات متحده آمریکا

مروری تحلیلی و در عین حال جمع بندی کننده برآنچه که درمورد ویژگی های کوشش های ایالات متحده آمریکا درزمینه برنامه درسی و استاندارد کردن ملی برنامه درسی مطرح گردید و از جمله اینکه برداشتی مبتنی بر استانداردسازی و ایجاد پیامدهای برنامه‌درسی و آموزش‌ها در سطح ملی به مرور مسلط شده و به سمت ارزیابی‌های مبتنی بر استاندارد و آمریکایی‌ها مشغول ساختن استانداردها و نشانگرهای مشترک هستند؛ آزمون‌های استاندارد شده بیشتری را برای تمام دانش‌آموزان تدوین و استفاده می‌کنند و به سمت اصلاح مدرسه مبتنی بر استاندارد حرکت می‌کنند و با تولید برنامه درسی ملی برای آمریکا مخالف هستند. حال با در نظر داشتن شش مولفه اصلی که بدان اشاره شد و در واقع ملاک‌هایی برای تحلیل و نتیجه‌گیری هستند یعنی: ۱- هدف ها و دیگر عناصر اصلی برنامه درسی ۲- برداشت‌ها و مفهوم‌سازی‌ها از برنامه درسی ملی ۳- الزامات قبلی، زمینه‌سازی‌ها، شرایط پذیرش ۴- ویژگی‌های ساختاری و اجرایی ۵- توجه به برنامه‌ریزی درسی مبتنی برمدرسه و روندهای نوآورانه ۶- توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی. درمجموع ویژگی‌های زیر را می توان استخراج کرد.

*** هدف ها وعناصر اصلی برنامه درسی**

در ایالات متحده هیچ برنامه درسی ملی (یا برنامه درسی به صورت ملی استاندارد شده) وجود ندارد. در سال‌های اخیر در قالب استانداردهای ملی، توانایی‌های یادگیری یا حق یادگیری ملی مطرح شده است. چارچوب برنامه درسی یا استاندارد های (ملی) دانش پایه مشترک، فهم و دریافت، مهارت ها و توانایی‌های عمومی مهم برای تمام دانش‌آموزان را تنظیم می‌کند. محتوای آکادمیک در برنامه درسی آمریکایی «گسترده ولی کم‌عمق» در انتشار

محتواست که در واقع دارای انشعابات آموزشی است. برنامه درسی از نظر کیفی و سختی دارای نوسان و گوناگونی است. برای دانش‌آموزان یک نقشه (برنامه) ویژه درسی در سطح ایالت و مدرسه فراهم می شود و از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا یک هسته اصلی موضوعات درسی را کامل کنند. تقریباً ۴۰ درصد مواد آموزشی در متوسط برنامه درسی مدارس آمریکا روی موضوعات غیرآکادمیک متمرکز شده است که بسیار بیش از کشورهای دیگر است.

*** برداشت ها و مفهوم‌سازی ها از برنامه درسی ملی**

- برداشتی مبتنی بر استانداردسازی و ایجاد پیامدهای برنامه درسی و آموزش‌ها در سطح ملی به مرور مسلط شده و به سمت ارزیابی‌های مبتنی بر استاندارد از طریقی چون فرمان فدرال « هیچ کودکی نباید عقب بماند » دردهه ۹۰ وادار کرده است. آزمون‌های استاندارد شده بیشتری را برای تمام دانش‌آموزان تدوین و استفاده می کنند و به سمت اصلاح مدرسه مبتنی بر استاندارد حرکت می‌کنند. این تمرکز روی آزمون‌ها و گذر از استانداردها باعث می‌شود دیگر مهارت‌ها و دانش‌های زندگی به خطر افتد.

*** الزامات قبلی، زمینه‌سازی‌ها، شرایط پذیرش**

- تمام هفت چارچوب برنامه درسی در هفت زمینه موضوعی مبنای فعالیت ادارات آموزش و پرورش ایالت ها قرار می گیرند و شامل: راهنمایی‌هایی برای خلق یک برنامه درسی تفصیلی؛ راهنمایی‌هایی برای ارزیابی کلاس درس؛ راهنمایی‌هایی برای انتخاب مواد آموزشی؛ راهنمایی‌هایی برای برنامه‌ریزی توسعه حرفه‌ای؛ راهنمایی‌هایی برای ساختاردهی دوباره مدارس در حمایت از یادگیری؛ یک نمایشی از مسائل اساسی که زیربنای یادگیری - یاددهی و ارزیابی راتشکیل می دهند؛ حمایت از معلمان تا نوآوری‌ها و تحقیق و واری‌هایی را دنبال کنند که به سمت تجربیات یادگیری با کیفیت بالا برای تمام دانش‌آموزان هدایت می‌کند. به هر حال، این چارچوب‌ها قصد ندارند تا چنین چیزهایی را فراهم کنند؛ چیزهایی چون: طرح درس‌های تفصیلی؛ مواردی که بر مبنای آن تمام دانش‌آموزان آزمون شوند؛ دستوراتی برای برنامه‌ها یا متن‌های یکنواخت و یکسان؛ احکام و فرمان‌هایی برای به کارگیری روش‌ها یا برنامه‌های ویژه.

*** ویژگی‌های ساختاری و اجرایی**

- آموزش و پرورش مبتنی بر استاندارد و پیامد مدار که بر آزمون‌ها و نظام ارزیابی در سطح ملی تاکید دارد؛ حاکم است. برنامه‌های درسی قصد شده در سطح ناحیه، مدرسه و در مطابقت با خطوط راهنمای فردی ایالت تعیین می‌گردند. جوامع محلی این چارچوب‌های گسترده در سطح ایالت را برای تدوین برنامه‌های درسی ویژه‌تر و سازگارتر با شرایط محلی استفاده می‌کنند.

نظام آموزش و پرورش دوره ابتدایی و متوسطه در آمریکا نظامی تا حدود زیادی غیرمتمرکز، گسترده و چند لایه بوده و دارای یک سنت قوی کنترل محلی و یک گوناگونی نیازها، سیاست‌ها و خط مشی‌های محلی است. با آنکه حکومت فدرال در اطراف ایجاد بعضی تحولات در برنامه‌های درسی و آموزش‌ها، ارتقای دسترسی به آموزش و

پرورش، رقابت‌پذیری در سطح جهانی و رعایت اصول مورد توجه دولت مرکزی نقش بزرگتری ایفا می‌کند؛ به هر حال، تصمیمات عمده درباره اینکه به دانش‌آموزان چه چیزی و چگونه آموزش داده شود و اینکه مدارس و نواحی چگونه عمل کنند؛ در استان مقامات ایالتی و محلی باقی مانده است.

*** توجه به برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر مدرسه و روندهای نوآورانه**

- ایالات متحده از جهت سازماندهی، آموزش و پرورش را به عنوان یک مسئولیت متصل ملی، ایالتی و محلی مورد توجه قرار می‌دهد. شروع کار آن در سطح ایالتی یا ملی نبوده؛ بلکه در سطح محلی با بنابرین اولین نظام مدرسه‌ای در ایالت ماساچوست بود.

*** توجه به حوزه دیدگاه‌های برنامه درسی**

- سیاست‌های آموزش و پرورش فدرال آمریکا، بهبود عملکرد دانش‌آموز در استانداردهای علمی از طریق فرایند پیشرفت کفایت کننده سالانه است که بعضی انعطاف‌پذیری‌ها را برای ایالت‌ها فراهم می‌کند. اصول کلیدی آموزش و پرورش پیامدمدار برای شناسایی کردن پیامدها و سپس ساختن یک برنامه درسی برای کسب آن‌ها، فرایند را در به کار بردن نخستین مجموعه استانداردها در بعضی ایالت‌های آمریکا در اوایل سال‌های ۱۹۹۰ شکل می‌دهد.

- تجدید ساختار آموزش و پرورش در آمریکا در اواخر دهه ۸۰ و دهه ۹۰، بر چهار راهبرد متمرکز گردیده است:

الف) مدیریت مبتنی بر مدرسه؛ ب) مشارکت و قدرت انتخاب والدین در تصمیم‌گیری‌ها؛ ج) غنای تخصصی و وقت یافتن معلم؛ د) تدریس برای فهمیدن.

۳-۳ با هم نگر و نتیجه‌گیری

مهم‌ترین نتایج حاصل از بررسی مجدد جمع‌بندی‌های فوق در مولفه‌های شش‌گانه که توصیه‌هایی برای توجه به نقش و جایگاه و ویژگی‌های تدوین برنامه درسی ملی برای آموزش و پرورش یک کشور و از جمله نظام آموزش و پرورش و برنامه درسی ملی در ایران می‌تواند باشد؛ بدین قرار است:

- چارچوب‌هایی چون برنامه درسی ملی می‌باید خطوط راهنمایی یا شاخص‌هایی فراهم کنند؛ نه دستورهایی برای عمل کردن و مشتق کردن تمرکزگرایانه و محافظه‌کارانه مبتنی بر دیدگاهی خطی و قائل شدن نقشی محدود برای جامعه محلی و مدرسه.

- هدف‌های برنامه درسی در سطح ملی نمی‌توانند انبوه باشند. چنین اهدافی می‌باید محدود، حیاتی و تاثیرگذارترین و در عین حال شدنی و قابل حصول باشند. بسیار شایسته است؛ مطالعات منسجمی در حوزه آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی قبل از تدوین برنامه درسی ملی صورت گیرد.

- در تدوین اهداف برنامه‌های درسی ملی، مطالعه و توجه دقیق به تحولات بستر اجتماعی-فرهنگی یک کشور و شناخت ویژگی‌ها و گوناگونی‌های این بستر واری‌های منصفانه و غیر سوگیرانه‌ای در نیازها و کاستی‌های نظام آموزشی، اقتضات ناشی از تحولات جهانی و بررسی آسیب‌شناسانه ریشه‌های عقب افتادگی‌ها و ناهنجاری‌های

موجود نظام آموزشی و برنامه‌های درسی از الزامات تدوین آن است. تغییر در جهت متناسب‌تر ساختن آموزش و پرورش با زمان حاضر و نیازهای آینده، و سبک کردن فشارهایی که کودکان امروزه با آن سر می‌کنند نیز ضروری است؛ مورد توجه قرار گیرند.

- برنامه درسی ملی زمینه موقعیت‌ها و فرصت‌های یادگیری سازنده‌ای را فراهم کند تا فراگیران مهارت‌های اساسی، دانش، ارزش‌ها، نگرش‌ها، علائق و استعدادها را در جنبه‌های مختلف توسعه دهند. مواردی چون یادگیری موضوعات میان برنامه درسی از قبیل: مطالعه محیط زیست، فهم و دریافت بین المللی، موضوعات مورد توجه خاص فرد- فرد کودکان و یادگیری‌هایی از قبیل: تجربیاتی در طبیعت، تجربیات زندگی اجتماعی، واریسی و کار روی پروژه، یادگیری از طریق حل مسئله و در قالب دروس تلفیقی مواردی هستند که مورد تاکیدند.

- در تدوین برنامه درسی ملی چند الزام قبلی و زمینه‌سازی مورد توجه قرار گیرد: ۱- در مورد اهداف و برداشت‌های برنامه درسی ملی از طریق مشارکت و گفت‌وگو ملی حرفه‌ای توافق به دست آید. ۲- به امکان‌پذیر و شدنی بودن برنامه درسی ملی از جمله زمان یادگیری مفاهیم پیچیده و منبع در دسترس معلمان و دانش‌آموزان توجه شود. ۳- باعث شود تا معلمان رویه‌ها و شیوه‌هایشان را به صورت نظام‌دار تحلیل و ارزشیابی کنند. ۴- روی یک پایه‌ای از شواهد قوی مرتبط با یادگیری، دانش و روش تربیتی و آنچه که در عمل و به کار بستن حرفه‌ای کار می‌کند؛ بنا شود. ۵- به چالش‌ها و فرصت‌ها در عصر جهانی شدن پاسخگو باشد.

- برنامه درسی ملی طوری تدوین شود تا راهنمایی برای معلمان باشد و با توجه به آن رویه‌های پداگوژیک خودشان را توسعه دهند. معمولاً کوشش می‌شود تا معلمان در مدارس، فلسفه‌های پایه‌ای برنامه درسی ملی را بفهمند تا بدین وسیله قادر شوند برنامه درسی مناسب و درخور را در مدرسه‌هایشان بازطراحی کنند.

- در تدوین سند برنامه درسی ملی، به خصوص در نظام‌های متمرکز به دلیل شرایط سیاسی نباید شتاب‌زدگی وجود داشته باشد. بلکه به اصول ایجاد فرصت‌های برابر و شامل کردن چند فرهنگی و اصلاح خطوط راهنمای آموزش و پرورش که احتمالاً در اثر حاکمیت‌های ایدئولوژیک به ابزاری سیاسی برای تسلط تبدیل شده و یک برداشت انضباط بیرونی را در جهت تبعیت کامل همه فراگیران از طریق برنامه درسی می‌خواهد تحمیل کند؛ توجه شود.

- وجود زمینه‌ها و اصولی در برنامه درسی ملی برای توجه به شرایط واقعی مدرسه و جامعه محلی و مرحله رشد ذهنی و جسمانی کودکان؛ تاکید بر مسئولیت متصل و مشترک ملی؛ انعطاف‌پذیری و قدرتمند شدن ارتباط با موقعیت‌های محلی و بهبود کیفیت آموزش‌ها در سطح استانی، محلی و مدرسه‌ای؛ تغییر پارادایم به سمت یک رویکرد سازنده‌گراتر از جهت منابع ورود آرا و اندیشه‌های تحول‌خواه تربیتی از نوع تغییرات ساختاری است که در اثر بررسی تجارب نظام‌های آموزشی در نگاهی جهانی توصیه می‌شود.

- احترام به جو و شخصیت مدرسه، اقتدار و قدرت انتخاب بیشتر مدرسه در جهت تعدیل و تصحیح یا تفسیر برنامه درسی ملی با توجه به شرایط بومی و نیازهای جامعه محلی، بهره‌گیری از معلمان به عنوان کارشناسان و متخصصانی ارزشمند که برنامه درسی مبتنی بر مدرسه را به عنوان منبعی برای رویکردهای مختلف به کار تحصیلی مدرسه تدوین می‌کنند؛ از راه کارهای نوآورانه در عین توجه به شاخص‌های برنامه درسی ملی است.

- در تبیین اهداف، اصول یا خطوط راهنما یا مجموعه استانداردهای ملی، تلفیقی همخوان از دیدگاههای برنامه درسی و بر اثر تحلیل بستر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی معاصر مورد توجه باشد. در تبیین این فرا دیدگاه برنامه درسی ملی، نیازهای تحول فردی، اجتماعی و محیط زیستی و توجه به تحولات فناوری و اقتضات تغییرات جهانی و چند فرهنگی تعیین کننده خواهد بود.

۴-۳ خلاصه ای از مصاحبه های انجام شده و کدگذاری شده

• مصاحبه با یکی از معاونین

معاونت پژوهش، برنامه ریزی و نیروی انسانی			
ردیف	بندهای مرتبط با سند تحول بنیادین	چالش ها و مسائل	راهکارها و راه حل ها
۱	۳-۲۱) طراحی و استقرار نظام جامع هدایت تحصیلی و استعدادیابی به منظور هدایت دانش آموزان به سوی رشته ها، حرف و مهارت های مورد نیاز حال و آینده کشور متناسب با استعدادها، علاقه مندی و توانایی های آنان	بسیاری از مواقع ناخواسته با دستورالعمل ناصواب به جای کمک به دانش آموزان باعث نابودی آنها می شویم	سند تحول بنیادین کار زیبایی است که همواره همه مدیران باید یک نسخه از آن را همراه داشته باشند و مداوم مطالعه نموده و آینده سازان ایران اسلامی را طبق آن پرورش دهند
	۱۹-۲) طراحی و اجرای نظام ارزشیابی نتیجه محور بر اساس استانداردهای ملی برای گذر از دوره های تحصیلی و رویکرد ارزشیابی فرآیند محور در ارتقای پایه های تحصیلی دوره ابتدایی و رویکرد تلفیقی (فرآیند محور و نتیجه محور) در سایر پایه های تحصیلی	محتوای کتب آموزشی خصوصا در آموزش ابتدایی به آموزش صرف پرداخته و بیشتر حالت حفظی و خشک و بی روح است	محتوای کتب درسی باید به گونه ای باشد که حس پژوهش و تحقیق را در دانش آموز بیدار نموده و دانش آموز علاقمند به کاوش و تحقیق و کشف ناشناخته ها باشد

• مصاحبه با مدارس غیردولتی

معاونت پژوهش، برنامه ریزی و نیروی انسانی			
ردیف	بندهای مرتبط با سند تحول بنیادین	چالش ها و مسائل	راهکارها و راه حل ها
۱	۲۲-۳) طراحی و اجرای الگوی بالندگی شغلی - حرفه ای برای منابع انسانی	کمبود معلم در سال های گذشته باعث ورود بعضی از افراد غیرمتخصص و آموزش ندیده به حوزه ی آموزش و پرورش شده است و نیرو به عنوان نیروی خدماتی وارد مدارس شده است ولی به علت کمبود معلم، او را به کلاس درس فرستاده اند در حالی که آموزش های لازم را ندیده است.	
۲	۱۹-۲) طراحی و اجرای نظام ارزشیابی نتیجه محور بر اساس استانداردهای ملی برای گذر از دوره های تحصیلی و رویکرد ارزشیابی فرآیند محور در ارتقای پایه های تحصیلی دوره ابتدایی و رویکرد تلفیقی (فرآیند محور و نتیجه محور) در سایر پایه های تحصیلی	محتوای بعضی از دروس از لحاظ حجمی سنگین است و با توجه به تغییر نوع ارزشیابی در سال های گذشته ، نیازمند بازنگری در محتوای کتب درسی می باشد.	

تجدیدنظر در محتوای آموزشی دانشگاه باید صورت پذیرد.	محتوای آموزشی در دانشگاه فرهنگیان و بازآموزی معلمان منطبق با موارد ضروری آنها نمی باشد و این باعث عدم توانمندی معلمان جدید در بعضی از حوزه ها شده است.	۱۸-۲) تأمین تسهیلات و امکانات و ایجاد سازوکارهای کارا و اثربخش در آموزش های ضمن خدمت معلمان و تقویت معلمان و تقویت انگیزه و مهارت های حرفه ای برای یادگیری مداوم
	محتوای کتب درسی ما در بعضی از پایه ها مرتبط با سن و سطح آنها نمی باشد، و این باعث ترک تحصیل بعضی از دانش آموزان از مدارس شده است.	۱-۱) طراحی، تدوین و اجرای برنامه درس ملی بر اساس اسناد تحول راهبردی و بازتولید برنامه های درسی موجود با تأکید بر....
	سیاست آموزش و پرورش این است که مدارس فنی حرفه ای و کاردانش خود را توسعه دهیم ولی شرایط بحرانی دارد یعنی اول مهر این فضاها باید تعمیر و تخریب و بازسازی شود.	۲۰-۷) تقویت مشارکت عمومی در آموزش و پرورش با حفظ کارکردهای سیاست گذاری و نظارتی نظام از طریق تسهیل تأسیس مدارس غیردولتی و حمایت از فعالیت های آموزشی آنان
	مدارس دولتی ما نیروهای شان در یک سطح نیستند حالا مدارس غیردولتی آمده اند کمک کردند نیروهای خوبی هم کسب کردند ولی الان یکی از دغدغه های خانواده های ما گرایش به مدارس خصوصی است و این ذهنیت دارند این مدارس آموزش هایشان به روز تر و متناسب به نسل امروز است.	۲۰-۷) تقویت مشارکت عمومی در آموزش و پرورش با حفظ کارکردهای سیاست گذاری و نظارتی نظام از طریق تسهیل تأسیس مدارس غیردولتی و حمایت از فعالیت های آموزشی آنان
	مسائل آموزشی شیوه های نوین تدریس کاملاً متفاوت شده است.	۱۷-۲) تولید و به کارگیری محتوای الکترونیکی متناسب با نیاز دانش آموزان و مدارس با مشارکت بخش دولتی و غیردولتی و الکترونیکی کردن محتوای کتاب های درسی بر اساس برنامه درسی ملی (با تأکید بر استفاده از ظرفیت چند رسانه ای) تا پایان برنامه پنجم توسعه کشور

• مصاحبه با تعاون

پژوهش، برنامه ریزی و نیروی انسانی			معاونت
ردیف	بندهای مرتبط با سند تحول بنیادین	چالش ها و مسائل	راهکارها و راه حل ها
۱	۸-۱) اصلاح، ارتقاء و تغییر نگرش به آموزش و پرورش به عنوان سازمان فراگیر و نیروی اثرگذار در خدمت اهداف رشد و تعالی کشور به ویژه اهداف فرهنگی و اجتماعی	آموزش و پرورش یک وزارتخانه سرمایه ای و تولیدی است نه یک وزارتخانه مصرفی خدماتی و هرچه سرمایه گذاری در آموزش و پرورش بیشتر باشد. هزینه ها در دوره های آینده کاهش خواهد یافت و برعکس هر چه هزینه در آموزش و پرورش کم تر شود در زندان ها و در قوه قضاییه باید بیشتر شود.	برای حفظ حرمت و شأن معلم از امکانات بر رفاهیات مطلوب برخوردار کنیم.
۲	۳-۱۲) ایجاد سازوکارهای قانونی برای افزایش انگیزه معلمان و مربیان با ساماندهی مناسب خدمات و امکانات رفاهی و رفع مشکلات مادی و معیشتی آنان	مهمترین چالش آموزش و پرورش الان نیروی انسانی است، نیروی انسانی کارآمد که بر اساس سند تحول بنیادین نیرو، نیروی کارآمد داشته باشد. الان دو چالش داریم ی ۱- کمبود نیروی انسانی با توجه به این نکته که خروجی زیاد و ورودی کم آموزش و پرورش دارد ۲- اثر نیروهای آموزش و پرورش بر اساس سند تحول بنیادین آموزش ندیده اند معلم ما با توجه با چالش هایی که در سند تحول بنیادین بدان اشاره شده است آموزش ندیده است ..	نیروی انسانی کارآمد هم از لحاظ کیفی و هم از لحاظ کمی تامین شود و نگاه جدید نسبت به فلسفه تعلیم و تربیت ارائه گردد.

۳	۴-۳) ایجاد سازوکارهای لازم برای هماهنگی رسانه‌ها و تولیدکنندگان کتب و مواد آموزشی، لوازم التحریر و تجهیزات آموزشی و تربیتی در جهت ترویج فرهنگ حیا، عفاف و حجاب مناسب در دانش‌آموزان	به روز شدن محتوای آموزشی کتابهایی که در مدارس تدریس می‌شوند حائز اهمیت است که باید با نیازهای جامعه مان همخوانی داشته باشد	تغییر دیدگاه نسبت به آموزش و پرورش است
---	---	--	--

● مصاحبه با مدیر یکی از مدارس شاهد دوره دوم متوسطه

معاونت	پژوهش، برنامه‌ریزی و نیروی انسانی	چالش‌ها و مسائل	راهکارها و راه حل‌ها
ردیف	بندهای مرتبط با سند تحول بنیادین		
۱	۲۰-۲) شفاف‌سازی و برنامه‌ریزی برای افزایش سهم اعتبارات آموزش و پرورش از تولید ناخالص داخلی به میزان مناسب	کم ارزش شدن و نگاه توأم با ترحم جامعه به وضع اقتصادی و معیشت معلم و از بین رفتن وجهه فرهنگی به عنوان فرد پرورش دهنده آینده سازان کشور بطوری که در برخی مدارس خصوصاً پسرانه دبیر به حدی درس میدهد که به گفته خودش حقوقی که دولت می‌دهد و برای آموزش‌های تکمیلی دانش‌آموزان را به کلاس‌های آموزشی که خود مدرس آن است سوق می‌دهد	رسیدگی به وضع معیشتی معلمان و بازگرداندن علاقه و شان و شخصیت فرهنگیان
	۱۲-۳) ایجاد سازوکارهای قانونی برای افزایش انگیزه معلمان و مربیان با ساماندهی مناسب خدمات و امکانات رفاهی و رفع مشکلات مادی و معیشتی آنان	بازنشستگی‌های پیش از موعد باعث شد که آموزش و پرورش از وجود نیروهای خوب خالی بشود و متأسفانه ب نیروهای تازه نفس، نیروهایی که حتی قراردادی بودند، نیروهایی که حتی خدمت گذار بودند، پیمانی بودند به عنوان معلم بدون هیچ آموزشی وارد مدارس و کلاس درس شدند	
	۲۰-۱) مدیریت بهینه منابع و مصارف و شفاف‌سازی عملکرد مالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی	مدارسی که تازه ساخته شده اند و یا بازسازی شده اند از مدارسی که شاید ۵۰ سال و ۶۰ سال قدمت ساخت دارند ضعیف تر بوده و فوق العاده مشکل دارند	
	۸-۸) مشارکت فعال آموزش و پرورش در مواجهه با نیازهای فوری و عمومی جامعه از قبیل شیوع بیماری‌های فراگیر، زلزله، رفع بی‌سوادی، حاکمیت قوانین و مقررات، حفظ و پاکیزگی محیط زیست، خدمت به محرومین، حرکت‌های خیرخواهانه مردمی و انقلابی از طریق برگزاری دوره‌ها، اردوهای آموزشی و توجیهی برای آماده‌سازی مربیان و دانش‌آموزان	سرانه مدارس یا اصلاً پرداخت نمی‌شود و یا مبلغ پرداختی بسیار ناچیز است	
	۲۰-۲) شفاف‌سازی و برنامه‌ریزی برای افزایش سهم اعتبارات آموزش و پرورش از تولید ناخالص داخلی به میزان مناسب	وجود کسر مالیات بر اسناد مدارس و قبوض آب، برق، گاز و تلفن مدارس و دریافت اختطاهای مکرر مبنی بر قطع	معافیت مدارس از مالیات و رایگاه شدن واقعی آب، برق، گاز و تلفن مدارس
	۲-۴) تقویت ایمان، بصیرت دینی و باور به ارزش‌های انقلاب اسلامی و توانمندسازی مربیان و دانش‌آموزان برای وفاداری و حمایت آگاهانه از این ارزش‌ها و مواجهه هوشمندانه با توطئه‌های دشمنان با استفاده از ظرفیت برنامه‌های آموزشی و تربیتی آموزش و پرورش و مشارکت خانواده و سایر نهادها و دستگاه‌ها به‌ویژه حوزه‌های علمیه و حضور فعال و	تغییر نسل و عدم پذیرش فرهنگ و سنن قدیمی توسط نسل جدید خصوصاً دانش‌آموزان دختر و شکاف و حشتناک فرهنگی ایجاد شده بین محیط خانواده با مدرسه و کاهش شدید اعتقادات دینی دانش‌آموزان	

	سیاسی و اجتماعی و انقلابی	سازمان یافته دانش آموزان و مدارس در برنامه های
رشد قارچ گونه انواع آموزشگاه های علمی و مشاوره و بکارگیری فارغ التحصیلان رشته های پزشکی و غیره که بعضی موارد مشکلات اخلاقی نیز ایجاد شده است	۴-۶) ساماندهی و مدیریت بر فعالیتهای مؤسسات و آموزشگاه های آزاد وابسته به وزارت آموزش و پرورش، بازنگری و بازتولید محتوای برنامه های آموزشی آنها همسو با اهداف و برنامه های تحولی آموزش و پرورش و نظارت و ارزیابی مستمر بر عملکرد آنها و هماهنگی و همکاری با دستگاه های ذی ربط برای ایجاد همسویی سایر آموزشگاه های آزاد با اهداف برنامه های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی	
مشکلات بیمه ای و درمانی همکاران فرهنگی، از همه ی بیمه ها ضعیف تر است.	۱۲-۳) ایجاد سازوکارهای قانونی برای افزایش انگیزه معلمان و مربیان با ساماندهی مناسب خدمات و امکانات رفاهی و رفع مشکلات مادی و معیشتی آنان	

• مصاحبه با یکی از مدیران مدارس ابتدایی

پژوهش، برنامه ریزی و نیروی انسانی			معاونت
ردیف	بندهای مرتبط با سند تحول بنیادین	چالش ها و مسائل	راهکارها و راه حل ها
۱	۲۰-۲) شفاف سازی و برنامه ریزی برای افزایش سهم اعتبارات آموزش و پرورش از تولید ناخالص داخلی به میزان مناسب	عدم رضایت اکثر دانشجویان دانشگاه فرهنگیان از شغل معلمی و دلیل انتخاب شغل معلمی را امنیت شغلی دانستن و مکفی نبودن حقوق، شان و مقام معلم در سطح جامعه	
	۲۲-۱) نهادینه کردن برنامه های محوری در سطوح مختلف مدیریت نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی	تغییر مداوم طرح و برنامه های اجرایی و با تغییرات مدیریتی در وزارت کل برنامه ریزی ها عوض شده و تغییر می یابد و کل برنامه ریزی مدارس هدر می رود	
	۱۱) باز مهندسی سیاست ها و باز تنظیم اصول حاکم بر برنامه درسی تربیت معلم با تأکید بر کارورزی و انطباق سطح شایستگی های حرفه ای معلمان در سطح ملی و جهانی با مقتضیات الگوی برنامه درسی در نظام تعلیم و تربیت و طراحی سیاست های مناسب برای ارتقای شیوه های جذب، تربیت و نگهداشت معلمان در آموزش و پرورش	بالا بودن حجم مطالب کتاب های درسی که در کنار تعداد زیاد و بیش از حد دانش آموزان در هر کلاس معلمان را خسته و فرسوده نموده است	
	۱۹-۴) ارتقای جایگاه ایران در ارزیابی های کیفیت جهانی در چارچوب معیارهای اسلامی و معرفی الگوی تعلیم و تربیت اسلامی به جهان	اجرای طرح ارزشیابی توصیفی در سطح آموزش ابتدایی که با ورود به دوره متوسطه ناگهان ارزشیابی تبدیل به نمره گذاری و ارزشیابی کمی می شود و دانش آموزان به دلیل عدم آمادگی لازم دچار مشکل می شوند	

۷) توانمندسازی مدیران و معلمان در شناسایی، هدایت و بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و امکانات و خلق فرصت‌های متنوع یادگیری، متناسب با نیازها، علایق و تفاوت‌های فردی و جنسیتی دانش‌آموزان	ضمن خدمت حضوری و تبدیل آن به دوره‌های ضمن خدمت غیرحضوری که بسیار به توانمندسازی معلمان ضربه زده است	بازگرداندن دوره‌های ضمن خدمت حضوری و تخصیص اعتبارات لازم در جهت توانمندسازی معلمان
۸-۲) ایجاد سازوکارهای لازم برای تقویت جایگاه و منزلت فرهنگی و اجتماعی معلمان	دید منفی دولت نسبت به آموزش و پرورش به عنوان یک ارگان هزینه بر	تغییر نگرش دولت به آموزش و پرورش و نگاه سرمایه‌گذاری دراز مدت بر این ارگان
۱۴-۱) طراحی و ساخت فضاهای تربیتی متناسب با اقتضائات برنامه درسی، استانداردهای تربیتی، تحولات جمعیتی، اصول شهرسازی و معماری و شرایط اقلیمی با تأکید بر استفاده از فناوری‌های نوین ساخت و تجهیزات آموزشی و رعایت الگوی معماری اسلامی - ایرانی و توجه ویژه به نقش محوری نمازخانه در طراحی و معماری اسلامی	عدم پرداخت سرانه به مدارس و ممنوعیت دریافت شهریه از دانش‌آموزان مدارس را با مشکلات عدیده ای روبرو نموده است	

فصل چهارم نتیجه گیری

با توجه به مطالعات تطبیقی و مصاحبه‌های صورت گرفته با مدیران، کارشناسان و صاحب‌نظران آموزش و پرورش در بخش‌های نیروی انسانی، محتوای آموزشی، فضا، تجهیزات و منابع اعتباری نتایج زیر حاصل گردید:

۱-۴ مسائل و مشکلات نیروی انسانی :

- ۱- کمبود شدید نیروی انسانی در بخش آموزش، پشتیبانی، اداری و خدماتی ادارات و مدارس.
- ۲- تغییرات سینوسی نیاز نیروی انسانی در رشته‌ها و دوره‌های مختلف تحصیلی.
- ۳- تخصص پایین و غیرمرتبط بودن رشته تحصیلی و شغلی بخش عمده‌ای از معلمان و سایر عوامل انسانی.
- ۴- عدم توازن بین تغییرات محتوای درسی و نیروی انسانی متخصص در آموزش و پرورش.
- ۵- کمبود مستمر نیروی انسانی و جذب معلمان از شیوه‌های غیر استخدامی.
- ۶- ورود نیروی انسانی آموزش و پرورش از مربیان مراکز پیش دبستانی، نیروهای حق التدریس، خرید خدمات آموزشی، نهضت سواد آموزی.
- ۷- عدم توازن بین نیروی انسانی خروجی و ورودی آموزش و پرورش.
- ۸- ناکافی بودن توان و ظرفیت دانشگاه فرهنگیان در تربیت نیروی انسانی مورد نیاز آموزش و پرورش.
- ۹- عدم وجود برخی از رشته‌های تدریس مورد نیاز آموزش و پرورش در دانشگاه فرهنگیان و حتی سایر دانشگاه‌های کشور.
- ۱۰- نیازهای خرد نیروی انسانی در مدارس روستایی و عدم وجود معلمان چند رشته‌ای در مدارس روستایی کم جمعیت و کلاس‌های چند پایه.
- ۱۱- عدم توازن جنسیتی نیروی انسانی مورد نیاز در دوره‌های مختلف تحصیلی به ویژه در دوره ابتدایی.
- ۱۲- عدم برنامه و اعتبار کافی برای آموزش جامع و مداوم معلمان متناسب با تغییرات نیازهای آموزشی و تغییرات کتاب‌های درسی
- ۱۳- عدم انگیزه کافی برای جذب و نگهداشت نیروی کارآمد به عنوان معلم، مدیر و کارشناس.
- ۱۴- تغییرات دوره‌ای، بخشی و اغلب تبعیض‌آمیز در حقوق و مزایای گروهی از نیروی انسانی آموزش و پرورش.
- ۱۵- عدم تطبیق حقوق و مزایای معلمان، مدیران و کارشناسان آموزش و پرورش با سایر نهادهای آموزشی (دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی).
- ۱۶- عدم تناسب و توازن نیروی انسانی در مناطق آموزشی مختلف.
- ۱۷- نقل و انتقالات نیروی انسانی در مناطق آموزشی درون استان و برون استانی.
- ۱۸- غیر بومی بودن بخشی از نیروی انسانی آموزش و پرورش و عدم امکان استفاده از ظرفیت اشتغال بیشتر از موظفی افراد.
- ۱۹- عدم پرداخت حقوق و مزایای بخش غیرموظف نیروهای رسمی، پیمانی و نیروهای خرید خدمات آموزشی.
- ۲۰- عدم پرداخت به موقع مطالبات معلمان در فعالیت‌های جنبی و فوق برنامه.
- ۲۱- کاهش مداوم شاخص‌های نیروهای پشتیبانی مدارس در سال‌های اخیر.

- ۲۲- پراکندگی مدارس به ویژه در مناطق روستایی و عدم امکان ایاب و ذهاب نیروی انسانی.
- ۲۳- عدم ارائه آموزش‌های تخصصی مدیریتی و ثبات مدیریتی در سطوح مختلف آموزش و پرورش.
- ۲۴- سیاست‌زدگی در انتخاب و انتصاب مدیران در سطوح مختلف.
- ۲۵- عدم وجود ساختار مناسب تعامل تخصصی بین معلمان.
- ۲۶- کاهش ساعت گروه‌های آموزشی و کمرنگ کردن نقش حمایتی، نظارتی و تسهیل‌گری گروه‌های آموزشی.
- ۲۷- عدم وجود ساختار ارزشیابی مناسب برای معلمان، مدیران و کارشناسان.
- ۲۸- عدم وجود قوانین حمایتی حقوقی برای معلمان و مدیران مدارس.
- ۲۹- تغییرات متعدد رشته تدریس معلمان در سال‌های مختلف.
- ۳۰- عدم ارتباط رشته تحصیلی در ادامه تحصیل در دوره‌های مختلف تحصیلی.
- ۳۱- عدم تناسب بین فعالیت‌ها و رسالت‌های تعریف شده برای آموزش و پرورش در سند تحول بنیادین و تخصیص نیروی انسانی (پژوهش‌سراها، کانون‌های فرهنگی و تربیتی، معاونین فناوری و ...).
- ۳۲- سیستم‌های ناکارآمد برنامه‌ریزی و کنترل فرآیند آموزش نیروی انسانی در آموزش و پرورش.
- ۳۳- عدم تطبیق نیاز نیروی انسانی با برنامه‌های توسعه سنواتی آموزش و پرورش (تخصیص ساعات حق التدریس).

۲-۴ مسائل و مشکلات محتوای آموزشی و برنامه درسی

بر اساس بند ۲-۱۳ برنامه درس ملی جمهوری اسلامی ایران زمان تعلیم و تربیت دانش آموزان در دوره‌های مختلف تحصیلی به شرح جدول ذیل تعریف شده است:

ردیف	دوره تحصیلی	تعداد پایه	ساعت	جمع
۱	ابتدایی	۶	۹۲۵	۵۵۵۰
۲	متوسطه اول	۳	۱۱۱۰	۳۳۳۰
۳	متوسطه دوم نظری	۳	۱۲۹۵	۳۸۸۵
۴	متوسطه دوم مهارتی	۳	۱۴۸۰	۴۴۴۰
جمع ۱۲ سال (نظری) ۱۲۷۶۵ ساعت جمع ۱۲ سال (مهارتی) ۱۳۳۲۰ ساعت				

علاوه بر این، در تمامی پایه‌ها ۵۰ ساعت به فعالیت‌های خارج از کلاس و مدرسه متناسب با اقتضائات برنامه درسی هر حوزه یادگیری اختصاص می‌یابد و ۵۰ ساعت متناسب با شرایط و اقتضائات محیطی در اختیار استان‌ها، مناطق و مدارس قرار می‌گیرد (جمعاً ۱۰۰ ساعت).

- از نمونه فعالیت‌های رسمی خارج از کلاس و مدرسه می‌توان: مشاهده طبیعت، انجام فعالیت میدانی و بازدید از موزه‌ها، نمایشگاه‌ها و مراکز علمی، تولیدی، فرهنگی (موزه‌ها، کانون‌های تربیتی محله و ...)، مذهبی (مساجد، زیارتگاه‌ها، دارالقرآن‌ها و ...)، نهادها و موسسات اجتماعی، شرکت در فعالیت‌های ورزشی، شرکت در فعالیت گروه‌ها و انجمن‌های علمی، اردوهای علمی، زیارتی و سیاحتی و... را نام برد.

- اختصاص حداقل ۱۰ درصد و حداکثر ۲۰ درصد از برنامه‌های آموزشی به معرفی حرفه‌ها، هنرها، جغرافیا، آیین و رسوم، نیازها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان‌ها به ویژه مناطق روستایی و عشایری با رعایت استانداردهای ارتقای کیفیت و تقویت هویت اسلامی- ایرانی دانش‌آموزان در چارچوب ایجاد کارآمدی و تقویت هویت ملی. مبنای محاسبه زمان آموزش و امتحانات ۳۷ هفته از اول مهرماه تا پایان خرداد ماه خواهد بود.

- مطابق با بند ۱-۸ برنامه درس ملی، عناوین حوزه‌های تربیت و یادگیری به شرح ذیل مشخص شده است: حکمت و معارف اسلامی؛ قرآن و عربی؛ زبان و ادبیات فارسی؛ فرهنگ و هنر؛ سلامت و تربیت بدنی؛ کار و فن‌آوری؛ علوم انسانی و مطالعات اجتماعی؛ ریاضیات؛ علوم تجربی؛ زبان‌های خارجی؛ آداب و مهارت‌های زندگی و بنیان خانواده.

با توجه به بررسی‌های پژوهشی و مطالعات نظری و میدانی انجام شده؛ رویکرد و ویژگی عمده برنامه درسی در ایران به شرح ذیل است:

- برنامه درسی ایران بیشتر بر اساس دیدگاه «تفکیکی/ مرحله‌گرا» تدوین می‌شود تا رویکرد ترکیبی/ وحدت‌گرا. در این دیدگاه: تولید (طراحی و تدوین) برنامه درسی، اجرای برنامه درسی و ارزشیابی برنامه درسی سه اقدام «منفک» و «مبتنی بر هم» هستند و تا یکی به اتمام نرسد؛ دیگری آغاز نمی‌شود. براساس این دیدگاه، جدایی دست‌اندرکاران با عناوینی مثل برنامه‌ریز، مجری و ارزشیاب دنبال می‌شود؛ استقلال این گروه‌ها مهم دیده می‌شود. تعیین سهم و نسبت برای دست‌اندرکاران مطرح است؛ انجام فعالیت موظف توسط هریک و مجزا از یکدیگر به رسمیت شناخته می‌شود. امکان اقتباس از موارد مشابه نه تنها مقبول که مطلوب است و موجب کاهش هزینه و حتی اطمینان از صحت است.

- از حیث نوع مواجهه برنامه درسی با مردم، رویکرد اجرای برنامه درسی در ایران بیشتر «رویکرد مهندسی» دارد تا «رویکرد تربیتی». در این رویکرد، رابطه راهبر- رهرو بر تعاملات حاکم است؛ که توسل به شیوه‌های دستوری (آمرانه) پذیرفته است؛ اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی یکطرفه بی‌چون و چراست؛ برای پیشبرد امور از اقدامات استفاده می‌شود؛ الفاء صحت و اعتبار، موضوعی مقبول است؛ ارجاع به آینده در توضیح فواید دیده می‌شود؛ بی‌نیازی از مشارکت اجتماعی، محور تصمیم‌گیری را تشکیل می‌دهد؛ ممنوعیت اعتراض و نقد، پدیده‌ای عمومی است؛ تحکم فارغ از تدارک شرایط اجرایی حُسن قلمداد می‌گردد؛ استناد به کارشناسی، موضوعی مرسوم است و توسل به شخص در مقابل دفاع از مدعا، رویه‌ای جاری است. ویژگی اساسی این رویکرد «زود بازده اما ناپایدار» است.

با توجه به رویکردهای غالب بر برنامه درسی، مشاهده میدانی از اجرای برنامه درسی در مدارس و جلسات هم‌اندیشی با دانش‌آموزان، دبیران، مدیران و کارشناسان موارد ذیل به عنوان مشکلات و مسائل محتوایی و اجرایی برنامه درس ملی احصا شده است:

۱- ساعات در نظر گرفته شده در برنامه هفتگی با محتوایی که باید ارائه شود؛ همخوانی ندارد و معلم مجبور است با حالتی سطحی و شتاب‌زده به ارائه آموزش بپردازد. تقریباً معلمان همه گروه‌های درسی، بیان می‌کنند که ساعات در نظر گرفته شده با محتوا هم‌خوانی ندارد.

- ۲- به نظر معلمان برخی از مطالب ارائه شده در کتاب‌ها کم اهمیت، قدیمی و غیر کاربردی است.
- ۳- در تهیه و تدوین محتوای آموزشی نظرات معلمان در گروه‌های مختلف اعمال نشده است.
- ۴- در برخی از موارد تقدم و تاخر ارائه مطالب در فهم مطالب مشکل ایجاد می‌نماید.
- ۵- بین نظرات و دیدگاه‌های معلمان و مولفین کتاب‌های درسی تفاوت عمده‌ای وجود دارد.
- ۶- شیوه‌های ارزشیابی به ویژه کنکور بر شیوه تدریس و ارائه مطالب سایه انداخته است. به گونه‌ای که در بازدید کلاسی در دوره متوسطه دانش‌آموزان اظهار نمودند که معلمان کمتر از کتاب استفاده می‌کنند و بیشتر بر روی جزوات کمک آموزشی و کتاب‌های موسسه‌ها تکیه دارند.
- ۷- برنامه درسی حداکثر در ۳۰ هفته اجرا می‌شود و ۳۷ هفته مصوب تاکنون اجرایی نشده است.
- ۸- وقایع مختلف آب و هوایی، اجتماعی، سیاسی و مناسبتی به صورت مکرر منجر به تعطیلی ساعت‌های درسی می‌شود.
- ۹- شیوه ارزشیابی دروس به صورت عملی و پروژه‌ای در مقایسه با ارزشیابی دروس به صورت نمره‌ای و موثر در کارنامه و ... از اهمیت دروس که عمدتاً برای دنیای واقعی دانش‌آموزان موثرتر است می‌کاهد.
- ۱۰- تجهیزات و وسایل آموزشی موجود در مدارس هیچ‌گونه هم‌خوانی با محتوای کتاب‌ها ندارد و سال‌هاست تجهیزات مناسب در اختیار مدارس قرار نگرفته است.
- ۱۱- معلمان در زمینه کتاب‌های درسی جدید التالیف و یا تغییر یافته هیچ گونه آموزش حضوری و حتی نیمه حضوری دریافت ننموده‌اند.
- ۱۲- مکانیسم مناسبی برای ارتباط مولفان کتاب‌های درسی و معلمان وجود ندارد و بازخورد مناسبی از مولفین به کتاب‌های درسی ارائه نمی‌شود.
- ۱۳- ساختار ایدئولوژیک جامعه و حاکمیت منجر به مداخله مستقیم و گاه غیرکارشناسی از نظر روانشناسی رشد و فلسفه تعلیم و تربیت در تدوین کتاب‌های درسی می‌شود.
- ۱۴- در تدوین محتوای کتاب‌های درسی تفاوت‌های فردی، جنسیتی، فرهنگی و بومی رعایت نشده است.
- ۱۵- معلمان دوره ابتدایی برای تدریس همه دروس تخصص کافی را از نظر علمی و شیوه ارائه نداشته و در سال‌های اخیر با جذب معلمان از شیوه‌ها و رشته‌های مختلف و نگذارندن دوره‌های آموزشی لازم بیشتر به چشم می‌خورد.
- ۱۶- محتوای آموزشی و شیوه ارائه در دروس مختلف دانش‌آموزان را به شایستگی لازم در سطح اهداف تعیین شده در هر درس و اهداف کلی سند تحول بنیادین نمی‌رساند. نتایج بین‌المللی آزمون تیمز و پرلز در این زمینه موید این نکته است.
- ۱۷- در استخدام معلمان در دوره ابتدایی رشته‌های مرتبط برای استخدام به گونه‌ای است که توانایی لازم برای تدریس همه دروس وجود ندارد.
- ۱۸- در برخی از سال‌ها تدریس دروس تخصصی به صورت عمومی به معلمان کلاس‌ها، مدیران و معاونین سپرده می‌شود. برای مثال تدریس درس تربیت بدنی، سواد رسانه‌ای، تفکر و سبک زندگی و ...

۱۹- مناسب سازی بخشی از محتوا و مهارت‌ها برای ایران به گونه‌ای که با نسخه‌های مرسوم در جامعه یا بین‌المللی هم‌خوانی و کارآمدی ندارد.

۲۰- پرداخت سطحی به مطالب متعدد در کتاب‌های درسی که فرصت پرداختن به آن وجود ندارد.

۲۱- ارتباط طولی و عرضی مطالب در کتاب‌های درسی در برخی از موارد رعایت نشده است و علاوه بر عدم هماهنگی کامل بین دروس به روانشناسی رشد و قدرت فهم و درک دانش‌آموزان توجه نشده است.

۲۲- متون ارائه شده در دروس، متناسب با توانایی و درک خواندن میان دانش‌آموزان نیست.

۲۳- کاهش ساعات و کم‌رنگ شدن نقش گروه‌های آموزشی و معلم راهنما به عنوان عامل مشارکت‌دهنده، تسهیل و هماهنگ‌کننده فرآیند آموزشی بین معلمان.

۲۴- امکانات ناکافی و شرایط نامناسب برای پوشش دادن ۱۰۰ ساعت فعالیت‌های خارج از عناوین برنامه درسی.

۲۵- کاهش حجم فعالیت و امکانات پژوهش‌سراها، کانون‌های فرهنگی و تربیتی، مجتمع‌های ورزشی و ...

۲۶- وجود دستورالعمل‌های متمرکز و بازدارنده مشارکت حضوری یا محتوایی گروه‌ها و موسسات مختلف در مدرسه.

۳-۴ فضا، تجهیزات و منابع مالی

با نگاه سیستمی می‌توان به دو نوع چالش مشکلات ملی و فرابخشی و چالش درون‌سازمانی اشاره کرد.

۱-۳-۴ چالش‌های ملی و فرابخشی

۱- در نظام توسعه ملی به جایگاه و منزلت آموزش و پرورش نگاهی بنیادی و صحیح نشده و از آموزش و پرورش که دستگاهی مولّد و توسعه‌زا است تلقی مصرفی و غیرتولیدی شده است.

۲- گرچه در نوشته‌ها و گفته‌ها آموزش و پرورش در اولویت برنامه‌های کشور مطرح شده؛ ولی در عمل، تخصیص منابع و امکانات در اولویت قرار نگرفته است.

۳- سهم آموزش و پرورش در الگوی توسعه به‌خوبی تبیین نشده و به نگرش کلان، ارتباط و تأثیر آموزش و پرورش بر بازسازی و آبادانی کشور کمتر توجه شده است.

۴- امکانات لازم برای آموزش و پرورش متناسب با سرعت تحولات جهانی در عرصه علوم و فناوری فراهم نشده است.

۵- هماهنگی لازم بین دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی کشور از قبیل آموزش و پرورش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، رسانه‌های گروهی، شهرداری‌ها، سازمان‌های اداری و مذهبی وجود نداشته و نبود یک سیاست مشخص، هدفمند و هماهنگ موجب هدر رفتن بسیاری از امکانات و ظرفیت‌های پراکنده در ایفای وظایف مشترک شده است.

- ۶- کمیسیون مختص آموزش و پرورش در مجلس شورای اسلامی با توجه به گستردگی وزارت آموزش و پرورش و مسائل متنوع آن وجود ندارد.
- ۷- شهرک‌سازی‌ها و اسکان ناهماهنگ خانواده‌ها موجب نیاز شدید به عوامل آموزشی در یک منطقه و مازاد آن در منطقه دیگر شده است.
- ۸- مشکلات ناشی از ملاحظات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و فشارهای بیرونی مسئولان کلان فرهنگی و سیاسی کشور در تغییرات پی در پی مدیران آموزش و پرورش که به تنش بین مسئولان، تزلزل در مدیریت، فرسایش توان و عدم اجرای ضابطه‌مند نظام شایسته‌سالاری منجر شده و می‌شود.
- ۹- توسعه اطلاعات رایانه‌ای، ارتباطات و گسترش پوشش رسانه‌های ارتباط جمعی جهانی و تأثیرات مخرب تهاجم فرهنگی بر نسل نوجوان و جوان کشور.
- ۱۰- تأثیرپذیری کودکان و نوجوانان از مسائل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خانواده، رسانه‌ها و نهادهای جامعه و خنثی‌سازی و کم اثر کردن بخشی از برنامه‌ها و تلاش‌های آموزش و پرورش.
- ۱۱- ترکیب جمعیت کشور و افزایش جمعیت جوان و توسعه نیازهای فنی و حرفه‌ای و کار و دانش چند برابر هزینه‌ها و امکانات دوره متوسطه به‌ویژه متوسطه.
- ۱۲- تغییر نام و مأموریت دانشگاه تربیت‌معلم باسابقه حدود ۸۰ سال به دانشگاه خوارزمی در مراجع ذی‌ربط (به‌رغم تعلق سرمایه‌های کلان و گذشته این دانشگاه به وزارت آموزش و پرورش).
- ۱۳- نبود سیاستی جامع بین تحصیلات آموزش و پرورش عمومی و آموزش عالی و بازار کار و اشتغال و نبود نظام جامع هدایت تحصیلی و شغلی در آموزش و پرورش کشور.
- ۱۴- تفاوت‌های جغرافیایی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بین مناطق مختلف کشور که به توزیع نامتعادل امکانات و نابرابری در فرهنگ‌ها و برون داد فرایند منجر می‌شود.
- ۱۵- تناسب نداشتن انتظارات و خواسته‌های آرمان‌گرایانه در آموزش و پرورش با امکانات، اعتبارات، تجهیزات، واقعیت‌ها و مشکلاتی که آموزش و پرورش با آن‌ها روبه‌روست.
- ۱۶- کمبود قوانین و مقررات کارآمد و موانع قانونی و اختیارات مسئولان و مدیران در اجرای اصلاحات موردنیاز.
- ۱۷- متمرکز بودن نظام آموزش و پرورش کشور به دلیل متمرکز بودن برخی از اختیارات در کشور مانند بودجه (متمرکز سازمانی، اداری و اقتصادی).
- ۱۸- افزایش روزافزون تقاضای آموزش در جامعه در تمام دوره‌های تحصیلی روزانه، شبانه و آموزش‌های از راه دور و اقبال زیاد به تحصیل در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در دوره متوسطه و محدودیت امکانات و منابع در این زمینه.
- ۱۹- مشارکت کم مردم و خانواده‌ها در امر آموزش و پرورش فرزندان خود و مطالبه تعلیم و تربیت رایگان با توجه به قوانین تعلیمات اجباری کشور.
- ۲۰- کاهش هزینه آموزش در سبد خانواده و در نتیجه عدم امکان سرمایه‌گذاری لازم در تعلیم و تربیت فرزندان.

- ۲۱- واگذاری مراکز عالی فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش به وزارت علوم در مراجع ذی‌ربط و در نتیجه از دست رفتن مهم‌ترین و بهترین منابع و سرمایه انسانی و مادی آموزش و پرورش و مواجه شدن هنرستان‌ها و مراکز فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش با مشکلات نیروی انسانی و تجهیزاتی.
- ۲۲- وضع مصوبات متعدد در مراجع ذی‌ربط به منظور استخدام نیروهای کم‌توان و پیش‌دستانی در وزارت آموزش و پرورش و الزام به کارگیری آنان در دوره‌های مختلف تحصیلی.
- ۲۳- محدود کردن فعالیت‌های پژوهشی و منابع تحقیقاتی وزارت آموزش و پرورش به دلیل ادغام پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات آموزش و پرورش در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش
- ۲۴- تغییر پی‌درپی وزرای آموزش و پرورش و ثبات کم در مدیریت کلان این وزارتخانه
- ۲۵- استفاده اندک از نتایج تحقیقات انجام‌شده در مورد تحول ساختار اداری- تشکیلاتی و بودجه‌ای و کمی قوانین آموزش و پرورش به تناسب نیاز این وزارتخانه.
- ۲۶- کمبود قوانین مهم و مؤثر و جامع مصوب مجلس شورای اسلامی در زمینه تحول آموزش و پرورش و در نتیجه نداشتن پشتوانه مالی برای اجرای مطلوب سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- ۲۷- وجود مراجع متعدد سیاست‌گذاری در آموزش و پرورش مانند مجلس شورای اسلامی (کمیسیون آموزش و تحقیقات)، شورای عالی انقلاب فرهنگی، شورای عالی اداری، شورای عالی آموزش و پرورش، مجمع تشخیص مصلحت نظام و برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و تصویب‌نامه‌های دولت و ضرورت هماهنگی این مصوبات.
- ۲۸- وجود سه وزارتخانه مسئول آموزش و پرورش کشور مانند وزارت آموزش و پرورش، وزارت علوم و تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ضرورت یکپارچگی نظام آموزش و پرورش کشور.
- ۲۹- نارسایی نظام‌بخشی به بودجه آموزش و پرورش توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و دیرکرد تخصیص بودجه مصوب به وزارت آموزش و پرورش.
- ۳۰- افزایش طلاق و اعتیاد در خانواده‌ها و تأثیر آن در مشکلات خانواده، تعلیم و تربیت فرزندان و عدم آموزش کافی و لازم مدیران خانواده در مدیریت، اقتصاد و تربیت فرزندان.
- ۳-۲ چالش‌ها و مشکلات درون‌سازمانی آموزش و پرورش
- در مطالعات و پژوهش‌های متعدد انجام‌شده در طی صدسال اخیر و برنامه‌های پیشنهادی وزرای آموزش و پرورش قبل و بعد از انقلاب اسلامی و طرح‌های اصلاح، تغییر و تحول آموزش و پرورش نشان می‌دهد که وزارت معارف، فرهنگ و سپس آموزش و پرورش علاوه بر چالش‌ها و مشکلات فرابخشی با مشکلات و تنگنای درون‌سازمانی کلان و خرد روبه‌رو بوده است و برای رفع این مشکلات به‌ویژه در سه دهه گذشته طرح‌های متعدد و برنامه‌های گوناگون تهیه و اجرا نموده است که در مواردی موفق بوده و برخی از این مشکلات کماکان به قوت خود باقی است. این چالش‌ها و محدودیت‌ها در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه به‌ویژه برنامه‌های سوم، چهارم، پنجم و در اظهارنظر صاحب‌نظران و مقامات عالی کشور و برنامه‌های وزرای آموزش و پرورش به هنگام دریافت رأی اعتماد از مجلس شورای اسلامی مطرح‌شده است و در یک دسته‌بندی می‌توان به مشکلات زیر اشاره کرد:

- ۱- ضعف فلسفه، اصول، اهداف و برنامه‌ریزی درسی و روش‌های آموزشی و تربیتی و ارزشیابی آموزش و پرورش.
- ۲- نقص قوانین به ویژه مقررات آموزش و پرورش، تصویب‌نامه‌ها، اساسنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها.
- ۳- ساختار اداری و تشکیلاتی آموزش و پرورش در سطح ستاد، استان، منطقه و مدرسه.
- ۴- ساختار آموزشی (ساختار عمودی و افقی، شاخه‌های رشته‌های تحصیلی).
- ۵- آموزش فنی و حرفه‌ای.
- ۶- کتاب‌های درسی و کمک‌درسی و انتشارات کمک‌آموزشی.
- ۷- جذب، تربیت، استخدام، ارتقا، نگهداری و بازنشستگی به‌ویژه مشکلات دانشگاه‌های فرهنگیان و شهید رجایی.
- ۸- کمبود فضاها و تجهیزات آموزشی در دستگاه‌های ستادی، استانی، منطقه‌ای و مدارس.
- ۹- سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله آموزش و پرورش و برنامه‌های کوتاه‌مدت.
- ۱۰- مسایل و مشکلات مالی، اداری، معیشتی، رفاهی و درمانی.
- ۱۱- مسایل پژوهشی، ساختار تشکیلاتی، پژوهش‌های بنیادی و کاربردی.
- ۱۲- مشکلات شورای عالی آموزش و پرورش، شوراهای آموزش و پرورش استان، منطقه، مدرسه و انجمن‌های اولیا و مربیان.
- ۱۳- مسایل مدیریتی «انتصابات و تغییرات و صلاحیت‌های مدیران رده‌های عالی، میانی و اجرایی (مدارس)، مشکلات نظارت، ارزشیابی و تخلفات آموزشی و اداری.
- ۱۴- ناکافی بودن خدمات راهنمایی و مشاوره در دوره‌های تحصیلی و افزایش بینش و دانش، روش و مهارت در دانش‌آموزان.
- ۱۵- بی‌برنامگی اوقات فراغت دانش‌آموزان و کارکنان و فعالیت‌های تربیتی و مکمل برنامه.
- ۱۶- افت تحصیلی، اخلاقی، اجتماعی، عاطفی و جسمانی دانش‌آموزان.
- ۱۷- مسایل کنکور و ادامه تحصیل دانش‌آموزان دوره متوسطه؛
- ۱۸- تنوع مدارس و تحصیل در مراکز آموزشی.
- ۱۹- چالش دانش‌آموزان روستاها و مدارس روستایی و عشایری و کلاس‌های چندپایه؛
- ۲۰- مسایل مدارس خارج از کشور و ارتباطات بین‌المللی؛
- ۲۱- سرعت در اجرای طرح‌های تهیه‌شده بدون بسترسازی و تمهید مقدمات لازم مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، طرح تغییر آموزش متوسطه.
- ۲۲- عدم استفاده بهینه از داده‌های پژوهشی در تهیه طرح‌های آموزش و پرورش و برخی از مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی و شوراهای مختلف.
- ۲۳- تکراری بودن برخی از طرح‌های آموزش و پرورش به دلیل تغییر مدیریت‌های سطوح عالی و میانی.
- ۲۴- آرمان گونه بودن بعضی از طرح‌های آموزش و پرورش و دور بودن از واقعیت منابع انسانی و مادی.
- ۲۵- طولانی شدن اجرای برخی از قوانین آموزش و پرورش مانند قوانین تعلیمات اجباری.

۲-۳-۴ مشکلات آموزش و پرورش ایران در دیدگاه رؤسای آموزش و پرورش

همه ساله در تابستان گردهمایی یا اجلاس رؤسای آموزش و پرورش مناطق مختلف کشور در تهران تشکیل و قبل از تشکیل اجلاس درخواست می شود که اهم مشکلات آموزش و پرورش را مطرح کرده و راهکارهای کاهش آن ها را بنویسند.

در این اجلاس علاوه بر رؤسای آموزش و پرورش ۷۵۰ منطقه آموزشی، مدیران کل استان ها، مدیران کل دستگاه ستادی وزارت آموزش و پرورش و معاونان و مشاوران وزیر شرکت می کنند و ریاست اجلاس بر عهده وزیر آموزش و پرورش است.

از سران قوه مجریه، مقننه و در مواردی قضائیه از نمایندگان مجلس شورای اسلامی و تعدادی از وزرا و مقامات کشور و استادان دانشگاه نیز دعوت به عمل می آید و در کارگروه های متعدد علاوه بر جلسات عمومی، موضوعات و مشکلات مختلف آموزش و پرورش در سطح کلان و خرد مطرح و سرانجام در پایان اجلاس پیشنهادهای لازم و مناسب داده می شود.

این اجلاس بعد از انقلاب اسلامی ۳۲ بار تشکیل گردیده و خلاصه سخنرانی ها و محورهای کارگروه ها و پیشنهادهای کاربردی چاپ و منتشر شده است.

با توجه به اینکه رؤسای آموزش و پرورش از همه مناطق کشور در این اجلاس شرکت کرده و با مشکلات آموزش و پرورش در عمل آشنا هستند؛ به ذکر دیدگاه های آنان در برخی از این اجلاس ها پرداخت شده است:

- ۱- تمرکز در نظام آموزش و پرورش.
- ۲- عدم تناسب امکانات آموزش و پرورش با نیازهای اجتماعی.
- ۳- کاهش خلاقیت در نظام آموزش و پرورش.
- ۴- انتخاب خارج از ضابطه برخی از مدیران.
- ۵- عدم ثبات مدیریت.
- ۶- توزیع ناعادلانه اعتبارات، تجهیزات و امکانات.
- ۷- ضعف علمی نیروی انسانی.
- ۸- پایین بودن جایگاه نظام آموزش و پرورش در جامعه.
- ۹- کمبود و نامناسب بودن فضای آموزشی.
- ۱۰- فقدان صلاحیت های علمی برخی از مدیران رده های عالی، میانی و مدارس.
- ۱۱- نبود شیوه نامه صحیح و جامع ارزشیابی.
- ۱۲- کاهش انگیزه در معلمان.
- ۱۳- وجود مدارس چندپایه و مختلط.
- ۱۴- مشکل معیشت فرهنگیان، مسکن و درمان آنان.
- ۱۵- بخشنامه ها و دستورالعمل ها.
- ۱۶- فقر فرهنگی حاکم بر جامعه.

- ۱۷- وجود پنجره‌های باز در نظام جدید آموزش متوسطه.
 - ۱۸- نفوذ عوامل سیاسی در منطقه.
 - ۱۹- عدم مطابقت مطالب درسی با نیازها و ارزش‌ها.
 - ۲۰- عدم نظارت لازم بر شوراهای آموزش و پرورش.
 - ۲۱- کمبود مراکز شبانه‌روزی و خوابگاه‌ها در روستاها.
 - ۲۲- کمبود سرویس ایاب و ذهاب دانش‌آموزان و معلمان.
 - ۲۳- عدم توجه اولیا نسبت به مسائل و ضوابط نظام جدید آموزش متوسطه.
 - ۲۴- پراکندگی مدارس در منطقه.
 - ۲۵- عدم توجه اولیا به وضعیت تحصیلی و اخلاقی فرزندان.
 - ۲۶- کمبود اعتبارات در سطح ستاد، استان، منطقه و مدرسه.
 - ۲۷- عدم امنیت شغلی مدیران.
 - ۲۸- کمبود نیروهای خدماتی.
 - ۲۹- عدم آشنایی بعضی از مدیران به شیوه صحیح تدریس.
 - ۳۰- عدم نگرش مثبت به آموزش و پرورش استثنایی.
 - ۳۱- همسان نبودن ساعت کار و مزایای معلمان ابتدایی با مقاطع دیگر.
 - ۳۲- ناهماهنگی در پرداخت اعتبارات.
 - ۳۳- مسائل مربوط به ضوابط انتخاب و انتصاب مدیران.
 - ۳۴- کمبود پست سازمانی در ادارات.
 - ۳۵- کمبود فضاهای تفریحی و ورزشی.
 - ۳۶- عدم وجود انگیزه مادی و معنوی جهت پست‌های اداری.
 - ۳۷- مشکلات ناشی از به‌کارگیری نیروهای غیربومی.
 - ۳۸- عدم توجه به کارکرد کیفی مدیران.
 - ۳۹- عدم ثبات قوانین و مقررات آموزش و پرورش.
- در این بررسی اولویت مشکلات آموزش و پرورش به شرح زیر اعلام شده است که برخی از این مشکلات کماکان وجود دارد:
- ۱- مشکلات ساختار اداری آموزش و پرورش.
 - ۲- کمبود بودجه.
 - ۳- کاهش منزلت معلمان و انگیزه آنان در تدریس.
 - ۴- نبود فلسفه و سیاستی جامع در همه ابعاد آموزش و پرورش.
 - ۵- ضعف مشارکت مردم در امور آموزش و پرورش.

۳-۳-۴ چالش‌ها و محدودیت‌های آموزش و پرورش در طول برنامه‌های توسعه سوم، چهارم و پنجم

- ۱- محدودیت منابع برای پاسخگویی به تقاضای اجتماعی برای حصول به آموزش و پرورش با کیفیت مورد نظر.
- ۲- تمرکز بیش از حد در تصمیم‌گیری.
- ۳- عدم تناسب ساختاربخشی با اندازه آن.
- ۴- اختیار کافی نداشتن مدیران واحدهای آموزشی.
- ۵- نابرابری در دستیابی به فرصت‌های آموزشی.
- ۶- مشارکتی بودن ماهیت امر تعلیم و تربیت و فقدان نظام برنامه‌ریزی مناسب با این ویژگی.
- ۷- عدم نگرش نظام‌مند به منابع انسانی آموزش و پرورش به‌عنوان اصلی‌ترین زیرساخت جامعه کشور.
- ۸- عدم توجه به دوره آمادگی به عنوان پایه و اساس آموزش در دوره‌های بالاتر.
- ۹- کاهش تدریجی انگیزه ادامه تحصیل در دوره‌های بالاتر، به‌ویژه در میان پسران به سبب شرایط اقتصادی خاص جامعه.
- ۱۰- تأثیرپذیری منفی شیوه‌گزینش دانشجو در دانشگاه‌ها بر فرایند تعلیم و تربیت در وزارت آموزش و پرورش.
- ۱۱- عدم نگرش سرمایه‌ای به آموزش منابع انسانی و آموزش و پرورش از طرف سازمان‌ها و مراجع سیاست‌گذار کشور و مبادی توزیع و تخصیص منابع مالی.
- ۱۲- عدم تناسب مهارت‌های حرفه‌ای در سطح تحصیلات دانش‌آموختگان با نیازهای شغلی جامعه.
- ۱۳- عدم توجه و همراهی لازم از سوی سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران با نیازهای شغلی جامعه.

۵-۳-۴ چالش‌ها، مسائل و تنگنای آموزش و پرورش در دیدگاه وزرای آموزش و پرورش

- از نوشته‌ها، سخنرانی‌ها، اظهارنظرها، به‌ویژه سیاست‌ها و برنامه‌های تقدیمی وزرای آموزش و پرورش به مجلس شورای اسلامی به هنگام رأی اعتماد استفاده می‌شود که هر یک از آنان در سال‌های گذشته به مشکلات درون و برون‌سازمانی آموزش اشاره کرده‌اند و معتقدند که مشکلات و تنگنای آموزش و پرورش که در صفحات قبل مطرح شد؛ مزمن است و حل یا کاهش آن‌ها مستلزم تهیه و اجرای طرح‌های اصلاح یا تغییر و یا تحول بنیادین آموزش و پرورش و برنامه‌ریزی درازمدت می‌باشد و لذا هر یک، در زمان تصدی وزارت به تهیه طرح‌های زیر اقدام نموده‌اند:
- ۱- طرح تغییر نظام آموزش و پرورش مصوب ۱۳۶۷.
 - ۲- طرح تغییر نظام جدید متوسطه ۱۳۷۹.
 - ۳- طرح اصلاح نظام آموزش و پرورش ۱۳۸۲.
 - ۴- سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ۱۳۹۰.
 - ۵- برنامه درسی ملی آموزش و پرورش ۱۳۹۱.

۶-۳-۴ جایگاه مشارکت سازمانها و دستگاههای اجرایی در آموزش و پرورش در قوانین و مقررات

ردیف	عنوان قانون	زمان تصویب	مواد قانونی مرتبط
۱	قانون اداری وزارت معارف و اوقاف	۱۲۸۹	این قوانین اصل بر تأمین هزینه‌ها توسط مردم بود و مردم مدارس را باید اداره می‌کردند و مجانی بودن و دولتی بودن مدارس استثنا بود
۲	قانون آموزش و پرورش عمومی اجباری و مجانی	۱۳۲۲	مطابق تبصره ۱ ماده ۸، شهردارها مکلف شدند در تهیه وسایل ساختمان مدارس با وزارت فرهنگ (نام قبلی وزارت آموزش و پرورش که فرهنگ و ارشاد اسلامی از وزارت فرهنگ در سال ۱۳۴۳ منتزع گردید) تشریک مساعی نمایند.
۳	تصویب‌نامه هیأت وزیران	۶۸/۷/۱۹	هفته آخر مهرماه هر سال به عنوان «هفته بسیج عمومی برای کمک به مدارس» تعیین گردد
۴	قانون اهداف و وظایف وزارت آموزش و پرورش	۱۳۶۶	ماده ۳ آموزش و پرورش را به دو بخش کلی آموزش عمومی و آموزش نیمه تخصصی (علمی و فنی و حرفه‌ای) تقسیم می‌کند. در تبصره ۲ این ماده می‌گوید : کلیه وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی موظفاند در جهت تأمین مفاد این ماده در چارچوب ضوابط کلی آموزشی کشور با وزارت آموزش و پرورش همکاری نمایند. در بندهای ۱۳، ۱۹ و ۲۵ ماده ۱۰ آن نیز حسب مورد، همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، بنیاد شهید و دستگاه‌های ذی‌ربط با وزارت آموزش و پرورش برای حفظ و ارتقاء سلامت جسمی دانش‌آموزان، تعلیم و تربیت فرزندان شهدا و ایثارگران، و دانش‌آموزان بی بضاعت را مورد حکم قرار داده است.
۵	قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور	۷۲/۱۰/۲۶	۱- در ماده ۱۰ می‌گوید: شهرداری‌ها موظفند با تدوین آیین‌نامه‌ها و اتخاذ روش‌های لازم نسبت به وصول عوارض مصوب در این قانون و واریز آن به حساب معین خزانه اقدام نمایند. ۲- ماده ۱۳ منابع مالی شوراهای مناطق برای هزینه‌های جاری و عمرانی آموزش و پرورش را بیان کند تا ۵٪ عوارض صدور پروانه‌های ساختمانی، تفکیک زمین‌ها، پذیره و

			نوسازی علاوه بر عوارض مذکور را که شهرداری‌ها دریافت می‌کنند. هدایا و کمکهای دستگاهها و نهادهای دولتی و غیردولتی و افراد خیر. ۳- ماده ۱۶ تکلیف شهرداری ها این است که زمینه احراز مالکیت آموزش و پرورش در زمین‌های پیش‌بینی شده برای فضاهای آموزشی و پرورشی شهرها را فراهم کند. ۴- ماده ۱۷ نیز می‌گوید: کمیسیون موضوع ماده ۵ شورای عالی شهرسازی و معماری ایران موظف است؛ طبق درخواست شورای آموزش و پرورش استان نسبت به تغییر کاربری زمین‌های مورد نیاز همکاری و اقدام نماید. نقل و انتقال زمین‌ها و املاک موضوع این ماده از پرداخت هر گونه عوارض و مالیات و حق‌الثبت معاف هستند. ۵- ماده ۱۸ قانون شوراها
۶	قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت است	مصوب ۱۳۸۰،۱۱،۲۷	۱- در ماده ۵: پرداخت هر گونه وجه توسط وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی به دستگاه‌های اجرایی به عنوان کمک یا هدیه به صورت نقدی و غیرنقدی ممنوع است؛ مگر مبالغی که به دانشگاه‌های دولتی و احداث خوابگاه‌های دانشجویی دولتی و آموزش و پرورش و ... پرداخت می‌گردد. ۲- در ماده ۱۰۰ نیز به وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) اجازه داده است؛ نسبت به واگذاری اراضی دولتی با کاربری عمومی (آموزشی و ...) به سازمان دولتی ذی‌ربط (به آموزش و پرورش) به قیمت تمام شده و به بخش غیردولتی به قیمت کارشناسی روز به صورت اجاره به شرط تملیک (حداکثر بیست سال) اقدام نماید. ۳- ماده ۱۹ قانون تأسیس مدارس غیرانتفاعی می‌گوید: «مدارس غیردولتی در برخورداری از تخفیفات، ترجیحات و معافیت‌های مالیاتی و عوارض در حکم مدارس دولتی هستند»

۷	قانون مالیات بر ارزش افزوده	۱۳۸۷	تبصره ۳ ماده ۳۸ به منظور تأسیس و توسعه واحدهای آموزشی موردنیاز در مناطق کمتر توسعه یافته معادل نیم در صد (۵/۰٪) از عوارض وصولی بند الف (یعنی کلیه کالاها و خدمات مشمول نرخ ماده ۱۶ قانون مالیات بر ارزش افزوده) این ماده در حساب مخصوص در خزانه بنام وزارت آموزش و پرورش واریز می گردد و معادل آن از محل اعتباری که در بودجه سنواتی منظور می گردد؛ در اختیار وزارت یاد شده؛ قرار خواهد گرفت تا توسط وزارت مزبور در امر توسعه و احداث مراکز آموزشی مورد نیاز در مناطق مزبور هزینه گردد.
۸	قانون مالیاتهای مستقیم	۱۳۶۶ و اصلاحات بعد	- ماده ۱۷۲ قانون مالیاتهای مستقیم چنین تدوین گردیده است: ۱۰۰٪ وجوهی که به حسابهای تعیین شده از طرف دولت (بابت) وجوه پرداختی یا تخصیصی و یا کمکهای غیرنقدی بلاعوض اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی جهت تعمیر، تجهیز و احداث و یا تکمیل مدارس، دانشگاهها ... یا اردوگاههای تربیتی ... طبق ضوابطی که توسط وزارتخانههای آموزش و پرورش ... تعیین می شود؛ از در آمد مشمول مالیات عملکرد سال پرداخت منبعی که مؤدی انتخاب خواهد کرد؛ قابل کسر می باشد و حکم بند ح ماده ۱۳۹ اصلاحی سال ۸۰ قانون مالیاتهای مستقیم نیز چنین است آن قسمت از در آمد موقوفات عام که طبق موازین شرعی به مصرف اموری از قبیل تعلیم و تربیت، بهداشت و درمان، بنا و تعمیر و نگهداری مدارس و دانشگاههای دولتی، هزینه یا وام تحصیلی دانش آموزان و دانشجویان برسد؛ از پرداخت مالیات معاف است و حکم بند ط ماده ۱۳۹ قانون مالیاتهای مستقیم به این شرح است: کمکها و هدایای دریافتی نقدی و غیرنقدی مؤسسات خیریه و عام المنفعه که به ثبت رسیده اند مشروط بر آن که به موجب اساسنامه آنها صرف امور مذکور در بند ح (تعلیم و تربیت، بنا و تعمیر و نگهداری مدارس و ...) این ماده شود و سازمان امور مالیاتی کشور بر درآمد و هزینه آنها نظارت کند از پرداخت مالیات معاف است (ماده ۱۳۹ آیین نامه اجرایی دارد) مصوب ۸۱/۱۱/۳۰ هیأت وزیران است.

			- ماده ۲ قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی بهمن ماه ۸۰ می گوید: وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی مشمول پرداخت مالیات‌های موضوع این قانون نیستند(بنابراین آموزش و پرورش، سازمان‌های وابسته، مدارس، مراکز جانبی مثل خانه‌های معلم، بیمارستان‌ها و ... مشمول مالیات‌های موضوع قانون مالیات‌های مستقیم نیستند.
۹	تکالیف شهرداری‌ها در شهرداری‌ها	۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی	(علاوه بر مواردی که قانون تشکیل شوراهای (تبصره ۱ ماده ۸ قانون تعلیمات اجباری که در بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداری‌ها تنفیذ شده است یعنی کمک به آموزش و پرورش در تهیه وسایل ساختمان مدارس، تأسیس کتابخانه و کلاس‌های مبارزه با بی سوادی کودکان. ماده ۶۸ قانون شهرداری‌ها : « موارد زیر از محل درآمدهای مستمر شهرداری پرداخت خواهد شد: ۳٪ سهم آموزش و پرورش » ماده ۸۰ قانون شهرداری‌ها: « شهرداری‌ها مکلفند (۵٪ از کلیه درآمد مستمر وصولی سالیانه خود را برای کمک به امور فرهنگی شهر(موضوع تبصره ۱ ماده ۸ قانون تعلیمات اجباری) اختصاص دهند». تبصره ۳ ماده ۱۰۱ قانون شهرداری‌ها (مصوب سال ۱۳۹۰) نیز می‌گوید: در اراضی با مساحت بیشتر از ۵۰۰ مترمربع که دارای سند شش‌دانگ است؛ شهرداری برای تأمین سرانه فضای عمومی و خدماتی تا سقف ۲۵٪ و برای تأمین اراضی مورد نیاز احداث شوارع و معابر عمومی شهر در اثر تفکیک و افراز این اراضی مطابق با طرح جامع و تفصیلی با توجه به ارزش افزوده ایجاد شده از عمل تفکیک برای مالک ، تا ۲۵ درصد از باقیمانده اراضی را دریافت می‌نماید. شهرداری مجاز است؛ با توافق مالک قدر السهم مذکور را براساس قیمت روز زمین طبق نظر کارشناس رسمی دادگستری دریافت نماید.

۴-۴ دیدگاه معلمان و مدیران پیش کسوت آموزش و پرورش استان

گروهی از مدیران، معلمان و کارشناسان بازنشسته استان پس از ۳۰ سال تجربه مدیریتی و تدریس در یک بررسی مهم ترین چالش‌ها و مشکلات وزارت آموزش و پرورش را به شرح زیر اعلام کرده‌اند:

- ۱- چالش مدیریت، برنامه ریزی و نیروی انسانی.
- ۲- کمبود بودجه و منابع ملی.
- ۳- روزمرگی و کمبود برنامه‌ریزی جامع و آینده نگر.
- ۴- چالش جذب و تربیت معلم.
- ۵- کاهش منزلت معلم.
- ۶- سیاست زدگی.
- ۷- کاهش استقلال وزارت آموزش و پرورش و وزیر.
- ۸- کمبود پژوهش‌های مورد نیاز و کاربردی.
- ۹- مشکلات مربوط به تألیف، چاپ و توزیع کتاب های درسی.
- ۱۰- مشکلات مربوط به امور تربیتی و تربیت کودکان و نوجوانان.
۱۱. کمبود امکانات ورزشی و فرصت های مناسب برای اوقات فراغت دانش آموزان.

۴-۵ چالش ها و مسایل منطبق با سند تحول بنیادین معاونت پژوهش، برنامه ریزی و منابع انسانی

بندهای مرتبط با سند تحول بنیادین	چالش ها و مشکلات عدم اجرای راهکار تاکنون	راه حل (بیان شرایط تسهیل گری برای راهکار)
راهکار ۱/۹: اصلاح ساز و کار و معیارهای سنجش، گزینش ، جذب و ارتقای منابع انسانی، هم سو با ویژگی های فوق و شایستگی های مورد نیاز برای اجرای برنامه درسی ملی	۱- ناکافی بودن ظرفیت دانشگاه فرهنگیان جهت تربیت معلمان متناسب با نیاز آموزش و پرورش ۲- عدم وجود اعتبار لازم برای برگزاری دوره‌های آموزشی معلمان متناسب با تغییرات کتاب‌های درسی و برنامه درس ملی	۱- تخصیص بخشی از ظرفیت خالی دانشگاه های دولتی و پیام نور و آزاد به تربیت معلم با مدیریت دانشگاه فرهنگیان ۲- استفاده از ظرفیت مراکز آموزشی و دانشگاهی برای برگزاری دوره های بازآموزی و توجیهی برنامه درس ملی ۳- تخصیص اعتبار لازم برای برگزاری کلاس ها و کارگاه های آموزشی معلمان
راهکار ۲/۳: ایجاد انگیزه و تقویت فرهنگ بهره برداری از ظرفیت نهادها و مؤسسات مستقر در سطح جامعه در غنا بخشی به محیط های یادگیری در چارچوب موازین تربیتی	۱- عدم وجود ساز و کار مناسب و مکانیزم های انگیزشی برای نهادهای فرهنگی به منظور مساعدت در امور آموزشی و پرورشی	۱- حفظ محوریت برنامه درسی در تعامل سایر نهادها با آموزش و پرورش مطابق با شرح فعالیت و

	۲- شفاف نبودن ارتباط و اهداف سایر نهادها در خصوص مشارکت متناسب با ویژگی های دانش آموزان و برنامه درس ملی	شیوه همکاری که در تفاهم نامه ها یا دستوالعمل ها مشخص می شود.
راهکار ۱۲/۴: ایجاد انعطاف در برنامه های درسی تربیت معلم متناسب با تحولات علمی و نیازهای نظام تربیت رسمی و عمومی با تاکید بر رویکرد تلفیقی و به روز رسانی توانمندی های تربیتی و تخصصی معلمان	۱- تضاد یا تقابل نظام ارزشی اجتماعی و ملی با برخی یافته های بین المللی در حوزه آموزش و پرورش ۲- عدم وجودمنابع و ستنندات محتوایی کافی و جامع در خصوص تربیت اسلامی، ایرانی	۱- بازنگری در محتوای درسی دانشگاه فرهنگیان ضمن مطالعه تطبیقی با سایر کشورها، به ویژه کشورهای اسلامی با رویکرد بین المللی در همه ابعاد رشدی دانش آموزان از قبیل علمی، اخلاقی، اجتماعی و اقتصادی و....
راهکار ۱/۱۳: توانمندسازی معلمان در درک و بهبود مداوم موقعیت خویش (گشودگی مداوم در برابر تجربیات جدید، یادگیری خود آغازگر، نقادی و ارزیابی مداوم عملکرد خود) بر اساس نظام معیار اسلامی	۱- عدم وجود شیوه های مناسب ارزیابی شامل خود ارزیابی و مکانیزم های مشاهده ای فرایند تدریس توسط سایر همکاران و والدین	۱- ترویج برنامه درس پژوهی و اقدام پژوهی از طریق ایجاد مکانیزم های انگیزشی مادی و امتیازات علمی برای معلمان در این خصوص
راهکار ۴/۱۳: ایجاد قابلیت های نقد و اصلاح برنامه های درسی و صلاحیت های پژوهشی، فناوری، مشاوره و راهنمایی و سواد اطلاعاتی در معلمان و مدیران آموزشی(به ویژه برای دوره دبستان)	۱- ناکافی بودن ظرفیت دانشگاه فرهنگیان جهت تربیت معلمان متناسب با نیاز آموزش و پرورش ۲- عدم وجود اعتبار لازم برای برگزاری دوره های آموزشی معلمان متناسب با تغییرات کتابهای درسی و برنامه درس ملی	۱- تخصیص بخشی از ظرفیت خالی دانشگاه های دولتی و پیام نور و آزاد به تربیت معلم مدیریت دانشگاه فرهنگیان ۲- استفاده از ظرفیت مراکز آموزشی و دانشگاهی برای برگزاری دوره های بازآموزی و توجیهی برنامه درس ملی ۳- تخصیص اعتبار لازم برای برگزاری کلاس ها و کارگاه های آموزشی معلمان
راهکار ۳/۱۴: فراهم آوردن تسهیلات و امتیازات مناسب برای جذب و نگاه داشت نیرو های کارآمد در دوره ابتدائی	۱-تمام وقت بودن معلمان ابتدایی و پایین بودن ضریب اشتغال این گروه نسبت به سایر معلمان	۱-افزایش فوق العاده شغل این گروه از معلمان متناسب با ضریب اشتغال سایر رشته های تدریس
راهکار ۲/۳۱: جلب مشارکت دانشگاه های برتر کشور در امر تربیت تخصصی- حرفه ای معلمان، کارشناسان و مدیران	۱-عدم وجود قوانین و شیوه نامه های مربوط	۱- تهیه و تدوین قوانین و طرح استخدام دانشجویان برتر دانشگاه های دولتی پس از گذراندن حداقل ۷۵ واحد درسی به صورت متعهد خدمت آموزش و پرورش

۱- جذب دانشجویان برتر دانشگاه فرهنگیان به صورت ویژه در دانشگاه های سرآمد دولتی داخل کشور و اعزام به دانشگاه های بین المللی و سایر کشور ها به صورت بورسیه تحصیلی	۱- عدم وجود سازو کار مناسب برای انجام تعامل های علمی و آموزشی معلمان با مراکز دانشگاهی داخل و خارج از کشور	راهکار ۳/۳۱: ظرفیت سازی برای توسعه تعاملات فرامرزی معلمان، مدیران و کارشناسان با تأکید بر بهره برداری بهینه از شبکه های ارتباطی و فرصت های مطالعاتی در چارچوب ضوابط
--	---	--

۶-۴ چالش ها و مسایل منطبق با سند تحول بنیادین معاونت آموزش ابتدایی

بندهای مرتبط با سند تحول بنیادین	چالش ها و مشکلات عدم اجرای راهکار تاکنون	راه حل (بیان شرایط تسهیل گری برای راهکار)
۱ راهکار ۱۰: ارتقای جایگاه نظام تعلیم و تربیت کشور به عنوان مهمترین نهاد تربیت نیروی انسانی و مولد سرمایه اجتماعی و اعمال سیاست های مصوب و هدایت و نظارت بر آن، از پیش دبستانی تا دانشگاه به عنوان امر حاکمیتی با توسعه مشارکت همگانی	عدم امکان مشارکت دستگاه ها و نهادهای فرهنگی در آموزش و پرورش	احتیاج به تصویب قوانین لازم برای مشارکت مستقیم و تکلیفی دستگاه هایی چون شهرداری های منطقه و نهادهای مردمی در آموزش و پرورش می باشد به ویژه در تامین منابع مالی
۲ راهکار ۱-۱ الف: طراحی، تدوین و اجرای برنامه درسی ملی بر اساس اسناد تحول راهبردی و باز تولید برنامه های درسی موجود با تأکید بر متناسب سازی حجم و محتوای کتب درسی و ساعات و روزهای آموزشی با توانمندی ها و ویژگی های دانش آموزان	برنامه درسی ملی تولید شده است اما همچنان در متناسب سازی حجم و محتوای کتب درسی ساعات و روزهای آموزشی با توانمندی ها و ویژگی های دانش آموزان مشکل دارد	قوانین استفاده از کتاب های چند تالیفی ابلاغ شود و زمینه ی بروز و ظهور تیم های تالیف استانی فراهم گردد. این مهم به خاطر عدم تربیت تیم های کاردان برای تالیف کتب و عدم توانایی برای رفتن به سمت چند تالیفی کتب درسی است.
۳ راهکار ۱-۱ ب: توجه بیشتر به تفاوت های فردی به ویژه هویت جنسیتی دانش آموزان و تفاوت های شهری و روستایی	به خاطر تالیف متمرکز ملی امکان تحقق این راهکار وجود نداشته است	قوانین استفاده از کتاب های چند تالیفی ابلاغ شود و زمینه ی بروز و ظهور تیم های تالیف استانی فراهم گردد. این مهم به خاطر عدم تربیت تیم های کاردان برای تالیف کتب و عدم توانایی برای رفتن به سمت چند تالیفی کتب درسی است.
۴ راهکار ۱-۱: بهره گیری از تجهیزات و فناوری های نوین آموزشی و تربیتی در راستای اهداف	عدم تخصیص منابع مالی کافی و وجود قوانین دست و پاگیر برای ورود فناوری های نوین آموزشی به مدارس	تدوین و ابلاغ قوانین تسهیل گر برای ایجاد زمینه ی بروز و ظهور نرم افزارها و بسترهای جدید فن آوری اطلاعات با در اختیار قرار دادن اطلاعات و داده های شناسایی دانش آموزان و معلمان به شرکت های مربوط
۵ راهکار ۱-۱ ج: بهره مندی افزونتر از روش های فعال، خلاق و تعالی بخش	کمبود اعتبارات ابلاغی برای تشکیل کلاس های ضمن خدمت حضوری و حذف عوامل انگیزشی برای شرکت در کلاس ها	تدوین قوانین لازم برای فعالیت خودگردان در انجمن های علمی معلمان برای اجرای آموزش های ضمن خدمت موثر و فعال

۶	راهکار ۳-۵: طراحی و ارائه الگوی لباس و پوشش مناسب، متنوع، زیبا و آراسته مبتنی بر فرهنگ اسلامی- ایرانی برای مربیان و دانش آموزان پسر و دختر در راستای تقویت هویت اسلامی- ایرانی	عدم توجه به سلیقه دانش آموزان در انتخاب رنگ لباس و الزام دانش آموزان به رعایت پوشش خاص مدرسه، عدم توجه به روان شناسی رنگ ها	ارائه چارچوب و الگوی لباس متناسب با سن، جنس و علایق دانش آموزان با رعایت موازین فرهنگ اسلامی- ایرانی، آزادی دانش آموزان در انتخاب مدل های ارائه شده
۷	راهکار ۳-۴: تدوین برنامه جامع مشارکت خانواده و نهاد های تربیتی و آموزشی برای تقویت فرهنگ تربیتی خانواده ها و تحقق شایستگی پایه دانش آموزان	۱- عدم احساس نیاز از طرف خانواده ها جهت افزایش آگاهی و اطلاعات خود ۲- عدم وجود اهرم قوی و بازدارنده جهت والدینی که در خصوص تربیت فرزند خود اهمال کاری می نمایند. ۳- عدم وجود قانون در خصوص مراجعه والدین برای آموزش در زمینه تربیت فرزند	۱- تشکیل سامانه اطلاعاتی خانواده آگاه با مشارکت شهرداری ها ، بهزیستی ، دادگستری و... با توجه به اطلاعات ثبت احوال ۲- ثبت اطلاعات کودک و والدین پس از تولد در سامانه خانواده آگاه توسط مراکز درمانی، خانه های بهداشت ۳- حضور والدین هر سه ماه یک بار در یک کارگاه آموزشی یک روزه متناسب با دوران رشدی فرزندان ۴- اضافه نمودن آیتمی در پرونده سلامت کودک
۸	راهکار ۱-۵: تعمیم دوره پیش دبستانی به ویژه در مناطق محروم و نیازمند در حد امکان با مشارکت بخش غیر دولتی با تأکید بر آموزش های قرآنی و تربیت بدنی و اجتماعی	ابهام در مفهوم آموزش قرآنی مطرح شده در راهکار و در نتیجه ارائه آموزش های ناهماهنگ در مراکز پیش دبستانی	ارائه چارچوب دقیق آموزش های قرآنی
۹	راهکار ۲-۵: برنامه ریزی و تمهید مقدمات برای پوشش کامل دوره آموزش عمومی و برخوردار از کیفیت مناسب در تمام مناطق کشور	عدم وجود منابع مالی و نبود انگیزه لازم برای حضور معلمان توانمند در مناطق محروم	اجرای طرح های انگیزشی برای حضور معلمان توانمند و با تجربه در مناطق روستایی و محروم
۱۰	اختصاص حداقل ۱۰٪ و حداکثر ۲۰٪ از برنامه های آموزشی به معرفی حرفه ها، هنر ها، جغرافیا، آداب و رسوم نیاز ها و شرایط اقلیمی و جغرافیایی استان ها	عدم توجه کافی به آداب و سنن، هنر ها و حرفه های بومی و محلی استان های مختلف و به فراموشی سپردن برخی از فرهنگ ها با توجه به تالیف متمرکز ملی	قوانین استفاده از کتاب های چند تالیفی ابلاغ شود و زمینه ی بروز و ظهور تیم های تالیف استانی فراهم گردد. این مهم به خاطر عدم تربیت تیم های کاردان برای تالیف کتب و عدم توانایی برای رفتن به سمت چند تالیفی کتب درسی است.
۱۱	راهکار ۶-۵: طراحی و تدوین برنامه آموزشی متناسب با نیازها و نقش های دختران و پسران	به خاطر تالیف متمرکز ملی امکان تحقق این راهکار وجود نداشته است.	قوانین استفاده از کتاب های چند تالیفی ابلاغ شود و زمینه ی بروز و ظهور تیم های تالیف استانی فراهم گردد. این مهم به خاطر عدم تربیت تیم های کاردان برای تالیف کتب و عدم توانایی برای رفتن به سمت چند تالیفی کتب درسی

۱۲	راهکار ۷-۱: فراهم آوردن زمینه های لازم برای نقش آفرینی مدرسه به عنوان کانون کسب تجربیات تربیتی محله و جلوه ای از جامعه اسلامی و حیات طیبه با تفویض اختیار و مسئولیت به آن و استاندارد سازی تمام مؤلفه ها و عوامل درون مدرسه ای	عدم دستورالعمل و چارچوب مشخص، عدم تأمین نیروی انسانی	مصوب نمودن قوانین و دستورالعمل جامع و مشخص (تنظیم و تدوین تقویم اجرایی برنامه، مشخص نمودن مسئول اجرای برنامه، نظارت و...)
۱۳	راهکار ۲-۱۲: فراهم آوردن تسهیلات و امتیازات مناسب برای جذب و نگه داشت نیروهای کارآمد در دوره ابتدایی و تقویت نگاه تخصصی زیر بنایی به این دوره تحصیلی	۱- عدم تفاوت حقوق و امتیاز بین آموزگاران ابتدایی و دبیران مقاطع دیگر با توجه به سختی کار و درگیری هفتگی آموزگاران دوره ابتدایی ۲- وجود نگاه اکثر افراد مبنی بر پایین بودن جایگاه آموزگاران نسبت به معلمان دوره های متوسطه	۱- افزایش ضریب حقوق آموزگاران ابتدایی نسبت به دبیران ۲- در نظر گرفتن سنوات ارفاقی خدمت به آموزگاران ابتدایی ۳- لحاظ نمودن ارتقا مدرک تحصیلی آموزگاران (مدرک های دوم و سوم) ۴- اختصاص تسهیلات بانکی بدون بهره، مسکن، خودرو و... به آموزگاران ابتدایی
۱۴	راهکار ۴-۲۱: استقرار نظام راهنمایی و مشاوره تربیتی مبتنی بر مبانی اسلامی و افزایش نقش معلمان در این زمینه و به کار گیری مشاوران متخصص برای ایفای وظایف تخصصی در تمامی پایه های تحصیلی	عدم وجود پست مشاوره در مدارس ابتدایی	بازنگری در چارت سازمانی نیروی انسانی در مدارس دوره ابتدایی و تخصیص پست مشاور در این دوره